

سرمقاله

صاحبہ با یکی از کارگران مبارز صنایع دفاع
در رابطه با اوضاع جاری در ایران و وضعیت
جنبش کارگری

در صفحه ۴

یک گام به پیش

همانطور که قابل پیشینی بود، جنبش کارگری بر زمینه بحران اقتصادی در دفاع از حقوق پایه ای خود همچنان تداوم دارد. جمعبندی مبارزات یکسال گذشته کارگران که مبتنی بر اخبار رسمی و غیررسمی میباشد، نشان میدهد که مبارزات کارگران در شش ماهه سال جاری نسبت به دوره مشابه آن در سال گذشته نه تنها نقصان نیافته بلکه تداوم بحران و تعرض به سطح معیشت کارگران بخش وسیعتری از آنان را به اعتراض و اعتراض کشانده است.

طی یکسال گذشته پیش از دویست و پنجاه حرفت کارگری به شکل اعتراضات، تحصن، تظاهرات، امضای طومار، تجمع در مقابل ادارات دولتی، بستن خیابانها، آتش زدن لاستیک و غیره صورت گرفته که در مجموع بیش از نیم میلیون نفر از کارگران در این جنبش اعتراضی شرکت کرده اند. با وجود این اما خواستها و مطالبات کارگران که با اوضاع اقتصادی اجتماعی، سیاسی و سطح اگله‌ای و تشکل کارگران را بسطی مستقیمی دارد، از سطح خواسته‌ای صنفی و تداعی فراتر نرفته است. علت آنرا در مشکلات و مسائل زیر باید جستجو کرد.

از خرداد سال گذشته هرچند که رابطه جمهوری اسلامی با غرب و شرکتهای فرامليتی و موسسات بولی جهان رو به بهبود نهاد و تشید در گیری میان جناح‌های حاکمیت در محدوده معینی تحرکی در فضای سیاسی کشور بوجود آورد و انتظاراتی در بهبود نسبی وضعیت سیاسی و اقتصادی را دامن زد، اما در ورای این انتظارات و توهمندیها وضعیت طبقه کارگر و توده‌های بقیه در صفحه ۲

کرامیداشت شهادت سالواردور آنده

صفحه ۱۰

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شور آیی!

سرمقاله

بقیه از صفحه اول

افتاده، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پایان دادن به اخراج و بازگردانیدن کارگران اخراجی به سرکارهایشان و در پاره‌ای موارد همچون گذشته نظیر حق تشکل و قراردادهای دستجمعی آنهم عمدتاً در صنایع نفت، محدود بوده است. یعنی حرکتهای کارگری عدماً تدافعی بوده است.

اشکال مبارزه کارگران

از طرفی بنا بدلایلی که ذکر شد اشکال بکارگرفته شده مبارزه توسط کارگران نیز از همسانی و همزمانی و انسجام لازم برخوردار نبود. تاکتیک‌ها نسبت به موقعیت مراکز کارگری، مالکیت کارخانه و مانورهای کارفرمها و مدیریت متفاوت بود. اعتصاب، اعتصاب تظاهراتی، تحصن، نامه‌نگاری، بستن جاده‌ها از جمله تاکتیک‌هایی بودند که تاکنون بکار گرفته شده‌اند.

وقتی خواستهای مطروحه از طرف کارگران را در نظر بگیریم، میبینیم که باوجود اینکه خواستهای در مجموع در سراسر مراکز کارگری مطرح است و از زمینه عینی اوضاع اقتصادی کشور سرچشمه میگیرند، اما طرح آنها خصلت سراسری نمی‌باشد. در یک جا برای طبقه بندی مشاغل، جای دیگر موضوع افزایش دستمزد، در کارخانه‌ای حول پرداخت حقوق معوق، در موسسه‌ای علیه اخراجها، در مجتمعی افزایش دستمزد و در گروهی اجرای قراردادهای دستجمعی پیش رو گذاشته می‌شود.

همینطور بررسی تاکتیک‌ها نشان میدهد که در حالیکه در یک کارخانه اعتصاب نشسته انجام میگیرد در دیگری به بستن جاده‌ها اقدام میگردد و همزمان در موسسه‌ای دست به تظاهرات زده می‌شود و یا تحصن صورت می‌گیرد.

در هیچ موردی کارگران قادر نمی‌شوند خواستهای را بعنوان خواستهای سراسری کارگران در مقابل تعرض سراسری سرمایه داری به حقوقشان مطرح کنند. همینطور تاکتیکی، نظیر اعتصاب و غیره جنبه سراسری بخود نمی‌گیرد.

دولت، کارفرمها و مدیریت موفق می‌شوند در

مصالحه با یکی از کارگران صنایع دفاع

صفحه ۴

جنگلزارهای تلقی‌تهدید‌هستی و زندگی به مرگ

صفحه ۷

ملحظاتی بر تحولات جغرافیای سیاسی و اقتصادی ایران

صفحه ۸

میزگرد پیرامون چپ و مذهب

صفحه ۹

گرامیداشت شهادت سالوار دور آینده

صفحه ۱۰

پاسخ به نامه‌ها

صفحه ۱۳

پیرامون عملیات مسلحه نهاد مجاهدین...

صفحه اول

خلاصه اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها

صفحه ۱۵

طنز

صفحه ۱۶

ستون انتقاد و انتقاد از خود

صفحه ۱۷

کارزار بین‌المللی محکومیت جمهوری اسلامی

صفحه ۱۷

دیدگاهها

صفحه ۱۸

تبلویر آتش و خون در شعر معاصر

صفحه ۱۹

اعضای تحریریه:

آذر اوغلی یدی ر. اسکندر

ف. بیانی نیک منش تمدن

حسرو شاهومیان شروین

مقالات رسیده حتی المقدور باید تایپ شده باشد.

در صورت استفاده از کامپیوتر دیسک آنرا برای ما

پیغستید.

مقالات رسیده پس داده نمی‌شوند.

در صورت چاپ نشدن مقالات علت آن کتابی برای

تویسته ارسال خواهد شد.

مقالاتی که تایپ شده تیستند، باید حتماً روی کاغذ

خط دار و با خط خوانا نوشته شوند.



شنوایی نیست و هر بار با وعده و وعدت و تهدید دولت و مدیریت ناچار از عقب نشینی هستند، اوخر سال گذشته چاره کار را در اعتصاب و نظاهرات در مقابل شرکت نفت دیدند و این حرکت نه تنها در داخل کشور بلکه در خارج کشور نیز آنچنان بازتاب یافت که همه خبرگزاریهای جهان ناچار از انتشار خبر آن شدند و برای اولین بار پشتیبانی میلیونها کارگر در سراسر جهان را بسوی خود جلب نمود و رژیم را به وحشت انداخت. اما اعتصاب کارگران گروه صنعتی ملی که حرکت خود را محدود به حدود کارخانه کردند، صدایشان بجائی نرسید و بعد از مدتی مدیریت بكمک دولت با اخراج عده ای و تقطیع بخش دیگری از کارگران و با دادن وعده و وعدت اعتصاب کارگران را درهم شکست. این نمونه و نمونه های متعدد دیگر نشان میدهند که جنبش کارگری مباید با انتخاب مناسب ترین و اصلی ترین و عمومی ترین خواستهای خود همچون حق بستن قراردادهای دستجمعی و حق تشکل برای افزایش دستمزد و جلوگیری از اخراجها و غیره و با انتخاب مناسب ترین و موثرترین شکل و تاکتیک مبارزاتی همچون اعتصاب تظاهراتی یک گام اساسی به پیش بردارند.

واقعیت دیگر و مورد توجه نیروهای طرفدار طبقه کارگر در این کارزار طبقاتی که هر روز گسترش میابد، این است که با ریخته شدن توهمندی های زحمتکش به تحولات درون رژیم و به خاتمی و توهمندی های بورژوازی و خرد بورژوازی مرffe و روشنفکران و سیاسیون و سخنگو های انها، دارد زمان آن میرسد که اقسام زحمتکش جامعه و بخش های جوان و روشن فکر آنها به جنبش کارگری و مطالبات و اقدامات آن روی آورند و به تدریج جنبش کارگری در پیوند با جنبش توهمندی های زحمتکش از حالت تدافعی کوئی خارج گردد و همزمان با طرح مطالبات رفاهی و صنفی مطالبات سیاسی نیز برجسته شود. این روند وظیفه کارگران پیشو و سازمانهای کمونیستی و کارگری را صد چندان میکند. موقعیت جنبش کارگری در کسب حقوق خود و مطالبات صنفی و سیاسی جز از طریق آگاهی آنان به منافع و مصالح خود بعنوان یک

اجتماعی ایران و با توجه به اشکال مبارزات فعلی و بویژه حضور ارتش عظیم بیکاران که نقش موثری در مبارزات کارگران ایفا میکنند، اعتصاب و بویژه اعتصاب تظاهراتی بعنوان مهمترین و موثرترین تاکتیک برای شرایط کنونی و عقب راندن دولت و سرمایه داران و خنثی کردن اقدامات آنها میباشد.

اعتصاب تظاهراتی در شرایط فعلی و بر متن بحران اقتصادی و ناراضایتی عمومی مناسب ترین شکل مبارزه و تاکتیک جنبش کارگری برای تحقق خواسته ایشان محسوب میشود. در شرایط مورد اشاره و بویژه در شرایط فقدان تشکل سراسری، با اعتصاب تظاهراتی مسائل کارخانه و معضل کارگران به بیرون کشیده میشود. با حضور صف کارگری در خیابانها و مرکز پر تجمع، کارگران بیکار و مردم در جریان اعتصاب و خواسته ای کارگران قرار میگیرند و از آن پشتیبانی میکنند. اخبار جنبش کارگری بوسیله خود مردم بازگو می شوند، از طریق زحمتکشان مورد پشتیبانی قرار میگیرد. روحیه سایر بخش های کارگری را برای پشتیبانی و دست زدن به اقدام مشابه بالا میبرد و رژیم و کارفرمایها برای جلوگیری از وخیمت شدن اوضاع و گسترش دامنه آن ناچار از عقب نشینی میشوند.

اما اعتصاب در چهارچوب کارخانه مخصوصا در شرایط عدم دسترسی به وسایل ارتباط جمعی محدود مانده و صدایش به جائی نمیرسد، نمیتواند پشتیبانی سایر کارگران و مردم زحمتکش را جلب کند، مدیریت با گماشتن نگهبان و پاسدار از نزدیک شدن مردم و یا سایر کارگران و خبرنگاران به محظه کارخانه و اطلاع از کم و کیف اعتصاب و خواسته های کارگران جلوگیری میکند و سر انجام با خسته کردن کارگران و دادن وعده و وعدت و یا اعمال سرکوب و فربی و انداختن اختلاف بین کارگران، آنها را ودار به تسلیم میکند.

دو نمونه برجسته آنرا در مقایسه اعتصاب تظاهراتی کارگران نفت در سال گذشته و اعتصاب گروه صنعتی ملی میشود ملاحظه کرد. کارگران صنایع نفت در بی اعتصابات و نامه نگاریهای متعدد خود وقتی دیدند گوش

یکجا با دادن وعده، در جای دیگر با انداختن اختلاف بین کارگران و در پاره ای موارد با اخراج و سرکوب و زمانی با افزودن به دستمزدها و یا بستن کارخانه کارگران را به عقب نشینی وادارند.

چاره چیست؟

تجربه نشان میدهد که طبقه کارگر ایران در شکل کنونی مبارزه خود قادر نیست حتی از حقوق پایه ای خود بنحو مطلوب مدافعانه کند و در شرایطی که نظم سرمایه داری و انحصارات بین المللی در پی محدود کردن باز هم بیشتر دست و بال کارگران و تحمیل شرایط خود بر حوزه های کاری سراسر جهان هستند، بطریق اولی مبارزه راه های پر پیچ و خم و مشکلتی در پیش خواهد داشت و مبارزات پراکنده کار بجایی نخواهد برد. همانطور که گفتیم و تجربه نیز نشان میدهد دولت و کارفرمایها قادرند اشکال مختلف مبارزات پراکنده در واحدهای مجزا را براحتی و با توصل به امکانات مادی و معنوی و قدرت سرکوب و تهدید دولتی ودار به قبول شرایط و پیشنهاد انشان بکنند.

بنظر ما هرچند که مبارزات کارگران در شرایط فعلی پراکنده و بی سامان است اما سطح خواستها و اشکال مبارزه و وسعت شرکت کارگران در حدی است که میتوانند با محوری کردن یک سری خواسته ای عمدی که به تبع آنها خواسته دیگر قبل تحقق است را برای کارگران سراسر کشور طرح و با پیشنهاد شکل معینی از مبارزه که در روند خود میتواند اشکال دیگر و سراسری بخود بگیرد، یک گام اساسی به پیش بردارند. در میان خواسته ای مطروحه در مبارزات کارگران، خواست حق بستن قرارداد دستجمعی و حق تشکل برای افزایش دستمزدها، جلوگیری از اخراج و غیره میتواند به خواست محوری کارگران ایران تبدیل شود. بدون اینکه سایر خواسته ای واحدهای مجزا به فراموشی سپرده شوند.

در زمینه اشکال مبارزه نیز صحیح این است که بدون رد سایر اشکال مبارزه، شکلی از مبارزه بعنوان تاکتیک محوری بکارگرفته شود. بنظر میرسد با توجه به شرایط اقتصادی، سیاسی و



مصاحبه با یکی از با اوضاع جاری در

در چنین نداشته و نمیتواند هم داشته باشد. در عرصه سیاسی طبیعی است که نظم و انتظام کاری و تمرکز سیاسی (بویژه با توجه به ساختار متناقض جامعه و وجود مسایل بسیار بعرنج اقتصادی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی) تنها یکی از شروط بانک جهانی و صندوق بینالمللی پول است و انگاهی شرط گردش سرمایه و ایجاد اطمینان به سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و تولید تنها با فرمان محدود کردن سود سرمایه در دلالی و فعالیت‌های غیرتولیدی و یا محدود کردن وکنار گذاشتن نمایندگان سیاسی آنها از ارگانهای تصمیم‌گیرنده میسر نمیشود، بلکه محدودیت آزادی نیروی کار و تابع کردن آن به نظم سرمایه و پذیرش توان با زور و سرکوب کارکرد بازار آزاد، یکی از مهمترین شروط ایجاد اطمینان به سرمایه‌گذاری در تولید محسوب میشود. بدین ترتیب از این ذایوه نیز فشار به کارگران افزایش مییابد. اینکه در این شرایط و در چهارچوب نظام فضایی برای طرح اختلافات و انتقادات بوجود میاید حتی نشریاتی اجازه انتشار مییابند که قبل از آن منوع و یا سانسور میشوند، فعالیت خود را در چهارچوبی پیش میبرند که قانون بازار آزاد، مالکیت خصوصی و استثمار و گردش سرمایه را رنگ آمیزی کنند.

خوب در این شرایط واقعاً حساس، اگر جنبش کارگری که کارزارهای عظیمی برای دفاع از حقوق خود در پیش دارد، اگر تواند از این دوره گذار مانند، برای مشکل و متعدد کردن خود و با برنامه کردن مطالبات و مبارزات خود استفاده کند، بدون تردید در مقابل تعریض سرمایه با شکست مواجه شده و به یک دوره طولانی مدت سکون، افتراق و دنباله‌روی دچار خواهد شد. از این رو ایجاد پیوند با جنبش کارگری، پیگیری مبارزات و شکستها و پیروزیهای آنها ارزیابی صحیح از درخواستها و سطح مبارزات کارگران، تعین و تبلیغ تاکتیکهای درست، تلاش برای ایجاد پیوند میان مراکز کارگری، طرح نظرات رهبران عملی جنبش کارگری و کارگران پیشرو، خلاصه تبلیغاتی و امکان آزاد گذاشتن دست بخشی از روشنفکران و نخبگان سیاسی جامعه بمنظور تأمین شرایط ذهنی این سیاست‌ها، طبقه حاکم (بویژه با توجه به سرشت سرمایه‌داری ایران) در این باره برای طبقه کارگر چیزی دیگر، برای عموم مردم از جمله وظایف مبرم و فوری هر

یکی از شاخص‌های مهم مبارزه طبقاتی و کشمکش‌های جاری در ایران، گسترش جنبش کارگریست. طی سالهای اخیر بویژه در یکسال گذشته سرمایه‌داری ایران در تلاش برای ایجاد تحولاتی در ساختار حکومت بوده است، تا جلب رضایت موسسات مالی جهانی و بویژه صندوق بینالمللی پول، توافق عمومی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را به گسترش مبادلات مالی، تجاری و سرمایه‌گذاری در ایران جلب نماید. در فضای پر تنشی که از این رهگذر بر جامعه حاکم شده، از جمله بروز شکافها و اختلافات جدیدی در روپیانی سیاسی طبقه حاکم است که وجود این شکافها بروز اختلافات را شکلی علنی داده و موجب باز شدن فضایی در عرصه سیاسی شده که حداقل تنفس برای باورمندان به حکومت اسلامی را امکان‌پذیر نموده است. بیان علنی این اختلافات و کشمکشها طبیعتاً فضای را پیش از پیش سیاسی کرده و زمینه‌های بیداری و آگاهی در میان مردم را نیز افزایش میدهد.

اما آنچه که در روپیان و در میان حکومتیان و نخبگان سیاسی طبقه حاکم میگذرد، فقط جنبه‌ای از نتایج برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که اگر سرمایه‌جهانی و داخلی توفیق یابند قرار است و یا دارد در ایران پیاده میشود. اما آنچه که در اعمال تضادهای طبقاتی را گستردگی میسازد وضعیت طبقه کارگر و به تبع آن اکثریت محروم جامعه است که مثل همه جای دنیا میباید نتایج و تبعات این سیاست‌ها را برگردد اقتصادی نحیف خودحمل کنند و به آن تن دردهند. تعرض آشکار به حقوق اولیه کارگران، قطع سویسیدها، تقلیل دستمزد واقعی، قطع مزایایی که محصول دهها سال مبارزه کارگران بوده است، آخرجهای دسته‌جمعی و تن دادن به محرومیت بیشتر از آنجلمه است.

در عرصه آزادیهای سیاسی نیز علیرغم های و هوی تبلیغاتی و امکان آزاد گذاشتن دست بخشی از روشنفکران و نخبگان سیاسی جامعه بمنظور تأمین شرایط ذهنی این سیاست‌ها، طبقه حاکم (بویژه با توجه به سرشت سرمایه‌داری ایران) در این باره برای طبقه کارگر چیزی

طبقه اجتماعی در مقابل طبقه سرمایه دار امکان‌پذیر نیست. این امر بویژه با توجه به شرایط کنونی ایران و با توجه به فقر گسترده‌ای که کارگران را مجبور میکند هر روز دو شیفته و گاه بیشتر کار کنند و فرصتی برای مطالعه و ارتقای آگاهی خود ندارند، از طریق کارگران پیشرو و سازمانهای متشكل امکان‌پذیر است.

سازمانهای چپ طرفدار طبقه کارگر علیرغم همه ضعف و مشکلات، درصورتیکه حقیقتاً معطوف به طبقه کارگر باشند، قادرند و میتوانند نقشی موثر و درخور در ارتقائ سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر ایفا کنند. در حالیکه در تاریخ تحولات اجتماعی ایران، اکنون زمینه‌های تبلیغ و ترویج و کار سازمانگرانه در میان کارگران و به اعتبار گسترش مبارزات آنان بیشتر شده است، اما این نیروها بشکل تاسف آوری در حالت پراکندگی بسر میبرند و اغلب بدون توجه به جنبه طبقاتی ماهیت اهداف و برنامه‌های خود دچار خرد کاری و دنباله روی شده و موقعیت‌های بدست آمده را از دست میدهند. ضرورت دارد تا سازمانها و گروه‌های طرفدار طبقه کارگر نیز یک گام اساسی به پیش برداشته و تمام نیرو و امکانات خود را حول بررسی مسائل جنبش کارگری و انجام وظایف مربوط به آن متحد و متمرکز کنند.

کمک‌های مالی خود را به حسایهای نژاد واریز و قبض آن را به همواه کد دلخواه خود، بروای ما بفوستید.

در داخل سوئد:

EFK

Sparbanken

Clearingsnr: 8201-6

Kontonr: 4438657-1

خارج از سوئد:

EFK

SWEDBANK

S-404 80 Göteborg

Sweden

Clearingsnr: 8201-6

Kontonr: 448657-1



کارگران مبارز صنایع دفاع در رابطه ایران و وضعیت جنبش کارگری

علی

کردن توافق نامه‌های خود با صندوق بین‌المللی پول و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی هستند. و از این جنبه شاری که با قطع سویسیدها، انجام دستمزدها واخراج‌های دستجمعی و بیکاری و غیره در شرایط افزایش تورم به طبقه کارگر اعمال می‌شود، کارگران را با وجود فقدان تشکل و رهبری سراسری به یک تحرک عمومی در رابطه با دفاع از حقوقشان به میدان کشانده است. بگوییم نظر شما در این رابطه چیست؟ اوضاع را چگونه می‌بینید و جنبش کارگری در چه مرحله‌ای قرار دارد و اشکال مبارزه و خواستها چیستند؟

- در رابطه با سوال اول، مشخصات فعلی جامعه، بحران عیق اقتصادی به همراه تورم بالاست. سال گذشته با محکومیت رژیم در دادگاه آلمان، اوجگیری جنبش کارگری و افشا شدن جمهوری اسلامی بحران سیاسی حکومت را شدیدتر کرد و تقریباً هم بلحاظ سیاسی و هم بلحاظ اقتصادی رژیم در بن پست قرار داشت و ظاهرا راه حلی برای حل مشکلات اقتصادی و سیاسی بنظر نمیرسید. بعد از انتخابات ریاست جمهوری رهبران جمهوری اسلامی سعی کردن با دست زدن به یکسری تحولاتی که اسم آنرا رفرم، توسعه سیاسی و برقراری جامعه مدنی گذاشته بودند، مشکلات رابطه لزان خود با غرب را حل کنند تا بتوانند با جلب سرمایه‌گذاران خارجی و کمک مراکز پولی جهان به وضعیت وخیم اقتصادی کشور سروسامان بدهند. اما همانگونه که شاهدیم این باصطلاح رفرم‌طلبی‌ها که بخشا ظاهری و بخشا اجرایی بود با ایجاد شکاف بیشتر در درون حکومت بحران سیاسی را تشید کرد. از طرفی با وجود حل مجدد با غرب و به حراج گذاشتن نفت و منابع دیگر و ایجاد تسربیات برای سرمایه‌گذاری و با وجود برداشته شدن تدریجی محدودیتها توسط دولت امریکا اما بحران اقتصادی نیز لایحل باقی مانده که البته پائین آمدن قیمت نفت که تامین کننده بخش مهم بودجه کل کشور است، این بحران را عمیقتر کرده است. از این بابت وضعیت رو به وحامت طبقه کارگر و توده‌های جامعه روز به روز بدتر شده است. بستان کارخانجات، اخراج‌های جمعی پرداخت نکردن موقع حقوق و مزایای عقب افتاده، انجام دستمزدها

سختترین شرایط یک لحظه تردید و تزلزل در مبارزه و در پیگیری خواستها و مطالبات کارگران و در مبارزه بخاطر تحقیق آرمانهای انسانیشان بوجود نیاید، در آن مقطع آنچنان جنبش کارگری را رهبری میکردد و قدم به قدم به پیروزی میرسانند که اعتماد و اطمینان همه کارگران این صنایع را پشتوانه خود ساخته بودند، همانطور که کینه و نفرت ارتigue حاکم را نصیب خود کردند، یادشان گرامی و راهشان پر رهو باد.

خوب! رفیق عزیز! همانطور که میدانید و می‌بینید اوضاع ایران در سال‌های اخیر و بویژه در یکسال گذشته شاهد یک سوی تحولاتی بوده است. هر نیروی سیاسی و هر کسی که این تحولات را دنیا کرده و میکند تعییر و تفسیر خاص خود را از آن ارائه می‌دهد. یکی این تحولات را به انتخاب خاتمی و ایده‌ها و برنامه‌های او نسبت میدهد، دیگری آنرا انقلاب دوم و عظیمتر از انقلاب بمبنی میداند، دسته‌ای کار و دسیسه خود رژیم ارزیابی میکند، گروهی محسول انزواجی رژیم در خارج و داخل و تن دادن اجباری آن به سیاست‌بلی میداند که قرار است سرمایه‌داری بحران زده ایران را از روطه سقوط و اضحملال نجات دهد. رفرم‌هایی که مورد نظر سازمان بین‌المللی پول و مؤسسات نظیر آن است که در اغلب کشورهای دیگر پیاده شده و یا در حال پیاده شدن است.

خود رهبران جمهوری اسلامی و بویژه خاتمی معتقد است که با اجرای این سیاست، جمهوری اسلامی وارد دوران تثبیت خود می‌شود و همه دنیا آنرا برسیت شناخته و خواهان گسترش روابط تجاری و فرهنگی با آن هستند و رای مردم در دوم خرداد در ایجاد این مشروعيت نقشی اساسی داشته است. خلاصه کلام هر کسی در این باره نظری دارد.

از طرفی شاهد هستیم که جنبش کارگری که قبل از دوم خرداد آغاز شده بود و با اعتراض تظاهراتی کارگران صنایع نفت اعلای تازه‌ای یافت. بعد از آن هم همچنان ادامه یافته است. بنظر میرسد که کارشناسان جمهوری اسلامی صد البته با مشاورت کارشناسان زبده جهان سرمایه‌داری در فراسوی آنچه که در بالا و در میان جنابندی‌های جمهوری اسلامی میگذرد، «شغول پیاده

نیروی طرفدار کارگران و اکثریت محروم جامعه و تمام آزادیخواهان را تشکیل میدهد.

در این راستا تصمیم گرفتیم تا برخلاف مدل روز و سیاست جریاناتیکه بظاهر خود را طرفدار طبقه کارگر مینامند اما تمام هم خود را مصروف دنباله‌روی از جریانات روزمره و تحولات سطحی کرده و تضادهای طبقاتی و جنبش کارگری را به فراموشی سپرده اند، فعالیت‌های خود در این زمینه را گسترش دهیم. بویژه اینکه کنگره اول ما تلاش برای پیوند با جنبش کارگری را یکی از وظایف مهم و مبهم ما معین کرده است. در این رابطه با توجه باینکه، نظرات نخبگان سیاسی و متکرین نظم حاکم تمام رسانه‌های گروهی و صفحات نشریات راست و چپ را بخود اختصاص داده‌اند، تصمیم گرفتیم از این شماره مصاحبه‌های را با فعالین جنبش کارگری پیرامون اوضاع جاری و چشم انداز آتی و بویژه وضعیت جنبش کارگری انجام دهیم تا خوانندگان نشریه در جریان نظرات آن بخش از جامعه نیز قرار گیرند که نه تنها اکثریت جامعه را تشکیل میدهدند و نه تنها سازندگان واقعی جامعه هستند، بلکه جنبش آنها هم اکنون بزرگترین معضل جمهوری اسلامی و نظام حاکم محسوب می‌گردد و در واقع نتیجه مبارزه آنهاست که خط سیر واقعی تحولات آینده را تعیین کرده و نقش اصلی را در دگرگونیهای عمیق اجتماعی که لازمه برون رفت جامعه از ادبیات کنونیست بازی خواهد کرد.

در این شماره مصاحبه‌ای داریم با رفیق «ع» از کارگران مبارز صنایع دفاع که در زیر ملاحظه می‌کنید.

رفیق «ع» عزیز قبل از آغاز گفتگو از فرصت استفاده کرده از طرف خود و اعضای تحریریه نشریه، درودهای انقلابی خود را به کارگران مبارز صنایع دفاع و بویژه رهبران عملی و نمایندگان مبارز و مدیر شوراهای این صنایع تقديم میدارم که خودمی‌توانم انتخار همکاری با آنها را داشتم که عده‌ای از این رفقا بدست دژخیمان سرمایه بشمادت رسیدند، رهبرانی که در دامن جنبش کارگری پرورش یافته بودند، برای آرمانهای کارگری مبارزه می‌کردند و در موقعیت نمایندگی هزاران کارگر و در



دها اختلاف بین شان وجود داشت و در غیاب نیروی اصلی خود یعنی کارگران شکل حل اختلافاتشان هم به شیوه ناهنجاری منجر شد.

عدم حضور نیروی کارگری در این سازمان و شدت سرکوب سرمایه‌داری باعث شد که تمام انرژی سازمان صرف مسایل و اختلافات درونی شود و واقعیت مثل ۴ بهمن، ترور شخصیت، خربیاتی که ناشی از خودمحوری رهبران این سازمان می‌باشد. بوجود آمد. اگر یک سازمان سیاسی برای سازماندهی و سمت و سوادن جنبش گام برمی‌دارد، اگر مسایل تنوری را در کتابها می‌آموزد، باید از شیوه مبارزة کارگران و چگونگی حرکت و یک اعتراض نیز اطلاع کافی داشته باشد. در اینجاست که باید از طبقه کارگر نیز یاد بگیرد نه اینکه پشت سر مبارزة کارگران سنگر بینند.

با وجود این همه پراکنده‌گی و در خارج از کشور بودن این سازمانها شناخت امروزین طبقه کارگر از آنها در چه حدی است؟

طبقه کارگر ایران حامی و سازمان انتقامی خود را به درستی می‌تواند بشناسد، ولی هیچ سازمانی توانست خود را در مبارزه کارگری به طبقه کارگر نزدیک کند و شیوه درستی را برای ارتباط تناکانگ با طبقه کارگر اعمال کند.

مبارزه کارگران ایران پیوسته وجود دارد تا جایی که امروز رژیم و حتی سرمایه‌داری ایران را مجبور به فکر و چاره اندادهای و عده‌ای از سازمانهای سیاسی ضدانقلاب کارگری نیز از ترس جنبش کارگری شعارهای دروغین رژیم را تبلیغ و ترویج می‌کنند.

واقعیت این است که اگر حکومت سرمایه‌داری دست به چنین ترفندی زده، به خاطر وحشت از انفجار یکپارچه کارگران به خاطر اینکه سرمایه‌داری ایران نیز این خطر را حس کرده که کارگران هربار گامی به جلو می‌آیند و با حداقل خواست تمامی رژیم را زیر سوال می‌برند این البته از ترکیب قوی مبارزات صنفی و سیاسی حاصل نمی‌شود که هر مبارزه صنفی بدیل سیاست سرکوب و نبود تشکل حق انتساب و غیره به مبارزه سیاسی از جمله خواست آزادی، حق تشکل، حق انتساب و آزادی زندانیان سیاسی و غیره ارتقا می‌باید و این برای سرمایه‌داران، رژیم جمهوری اسلامی و کل اپو زیسیون بورژوازی بسیار نامطلوب و خطرناک است که کارگران خواستار آزادی باشند.

حکومت سرمایه‌داری وحشت از انفجار کارگران دارد. نه اینکه چیز خاصی اتفاق افتاده باشد. رژیم ایران سعی دارد با شعارها و عده و عیدها مبارزة کارگران را به سکون بکشاند. طبقه کارگر ایران با تجربه‌ای که دارد به درستی اینگونه حیله‌ها را می‌شناسد و هرگز کوتاه خواهد آمد و تنها این جریانات سیاسی ضدطبقه کارگر هستند

خ

سازمانهای سیاسی و جنبش کارگری بعضی اینکه باهم رابطه نزدیک داشته باشند بیشتر بموازات هم حرکت می‌کنند. البته جنبش کارگری در این رابطه جلوتر گام بر میدارد، نقطه ای که ایندروا بهم وصل کند هنوز بوجود نیامده است دادن شعار ضرورت ایجاد تشکل‌های کارگری که یک شعار شناخته شده است تا اقدام عملی در این رابطه و به همراه و در درون طبقه کارگر تفاوت بسیار دارد هنوز این رابطه نزدیک موجود نیست یعنی بطوریکه سازمانهای مدافعان طبقه کارگر از رابطه ارکانیک و مشخصی با طبقه کارگر باشند. با این وجود کارگران ایران با همه مشکلات و سنتگینی بار ترور و گرانی از یکسو و سرکوب بی‌نهایت وحشیانه سرمایه‌داری که حداقل خواسته آنها را با گلوله و زدنان جواب می‌دهد، شاهد آن هستیم که هر بار با گامی مستحکمتر پا به میدان مبارزه می‌گذارد و از خواسته‌های خود کوتاه نمی‌آیند.

دیدیم که چگونه کارگران کارخانه خاور برای گرفتن حق خود میریت کارخانه خاور را گروگان گرفتند و دیدیم که چگونه کارگران نفت اقدام به اعتراضی کردند که تمام جهان از آن باخبر شدند و همینطور سال گذشته شاهد صدھا اعتضاب کارگری بودیم. هرچند که بدون حضور فعال سازمان انتقامی کارگری این حرکتها ادامه خواهد داشت، اما پراکنده و بدون سازماندهی و سمت و سوادن این حرکتها و مبارزه دامنه سرکوب رژیم بیشتر خواهد بود و نتیجه‌ای که عاید طبقه کارگر می‌شود کمتر.

در گذشته سازمان قدامی از جمله سازمانهای یود که بدیل مبارزاتی که از سر گفتارند بود نفوذ قابل توجهی در میان کارگران داشت یویه بعد از اشغال یخشی ازین کارگران به اقلیت پیوستند. در این بازه نظرت چیست؟ از میان سازمانهای سیاسی دسته‌ای که تکلیف خود را روشن کرده و در دامن شعارهای دروغین سرمایه‌داری و در منجلاب سرمایه‌داری دست و پا می‌زنند و به دنبال شعارهای رژیم راه افتاده‌اند که راهی در جنبش کارگری انتقامی نداشته و ندارند.

ولی سازمانی که می‌توانست به عنوان یک سازمان کارگری و انتقامی جنبش کارگری را هدایت کند و بنا بسوابق خود دارای رابطه‌ای نزدیک با کارگران پیشوپ بود سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت) بود که امروزه به توأم‌نده‌ی رهبران سیاسی می‌باشد. این سازمان با آنکه در میان کارگران و زحمتکشان پایگاهی داشت، اما بدرستی توانست در راستای مبارزات کارگران قدم بردارد. اساساً دیدگاهها و عملکرد رهبران سیاسی می‌باشد. این سازمان با عدم پیشرو نهایندگی می‌شد، همگونی نداشت در روند مبارزات کارگران آنها روز بروز از موضع و اهداف کارگری دور شدند و بتدریج به همان انشعابیون اولیه تبدیل شدند که

در حالیکه تورم و افزایش سرسام آور قیمتها هیچ حد و مرزی نمی‌شناشد به همراه افزایش اجاره مسکن، ایاب و ذهاب، قطع سویسید کالاهای ضروری، چندین برابر شدن قیمت اولیه‌ترین مایحتاج عمومی، بیکاری فزاینده نصیب کارگران و محرومان جامعه شده است. اگر شکسته شدن باز بحران اقتصادی را بر گرده نحیف کارگران راه باین لیست اضافه کنیم نتیجه‌ای که بدست می‌اید وضعیت فلاکتیار اقتصادی و رفاهی کارگران و زحمتکشان جامعه در برابر دیدگان ما خودنمایی می‌کند که البته در چهارچوب نظام حاکم و با وجود جمهوری اسلامی هیچ روزنه امیدی برای گشایش آن و هیچ چشم اندازی برای بهبود این وضع موجود نیست.

مشخصه دیگر این است که با انتخابات دوم خرداد روی آوری بخش زیادی از اپوزیسیون رژیم به حمایت آشکار و پنهان از جناح خاتمی و خط امامی‌های سابق است. که البته موضع جدیدی نیست اینها هم در دوره خمینی و هم در دوره رفسنجانی یک بار با خد امپریالیست نایدین خطا امام و بار دیگر جناح واقعیین نایدین رفسنجانی باین توهمند در جامعه دامن زده بودند، که این بار هم مردم را به حمایت از جناح خاتمی و خط امامیها که گویا می‌خواهند در چهارچوب قانون اساسی ضدموکراتیک جامعه مدنی در کشور ایجاد کنند، فرامیخواهند. البته تحت تاثیر این تبلیغات اغلب سازمانهای سیاسی چپ نیز به نحوی از خود تزلزل نشان دادند. برخی به حمایت اشکار و برخی با حمایت از اقدامات و تبلیغات به دنباله‌روی دچار شدند. اما متأسفانه آنچه که در فعالیتها و تبلیغات و مقالات اینها تا مدتی‌گذار غایب بود و یا اهمیت کمتری داشت جنبش کارگری بود که بی‌توجه به دعواهای جناحی از قبل از انتخابات آغاز شده بود و با حدت و شدت ادامه داشته است. شاید بتوان گفت که در بیسابقه‌ترین دوره برآمد جنبش کارگری رژیم این جنبش غافل شد و نتوانست آنکه که لازم بود به وظایف خود عمل کند و درنتیجه شدت تبلیغات بورژوازی وظایف اصلی به فراموشی سپرده شد.

وضعیت عمومی حرکتهای کارگری و مشکلات آنان چیست؟

همانطور که می‌بینید مبارزه کارگران ایران با همه افت و خیزهایی که داشته همچنان به راه خود ادامه می‌دهد اگر چه تا کنون مبارزه کارگران در مقابل رژیم سرمایه‌داری بدون حضور یک سازمان سیاسی و انتقامی ادامه داشته باشد این می‌بینیم که طبقه کارگر ایران هربار با تجربه‌ای بیشتر از گذشته قدمهای محکمری برمی‌دارد. یکی از مهمترین مشکلها این است که میان سازمان سیاسی و انتقامی کارگری و طبقه کارگر در هر حرکت و اعتراض طبقه کارگر ارتباط وجود ندارد. اگرچه سازمانهای سیاسی طرفدار طبقه کارگر از طریق اعلامیه و اقدامات دیگر به دفاع از جنبش کارگری برمی‌خیزند اما کافی نیست امروزه بنظر می‌رسد که این دو یعنی



جنگ افزارهای اتمی، تهدید هستی و زندگی به مرگ

تمندر

نیروگاه اتمی مبنی بر بی خطر بودن آن می کنند، هیچ گونه تضمینی وجود ندارد که فجایع دیگری رخ ندهد و خسارات بیار نیاورد. زباله های نیروگاههای اتمی و نگهداری آن خود مشکلی است و خطرناک. بیرون رفتن از بکارگیری نیروگاههای اتمی از ضرورت های اصلی ادامه هستی بشری است. به سادگی میتوان با دردست داشتن تکنولوژی، از نیروی خورشید و باد استفاده کرد، اما سیاست انحصار طلبانه و تسلط برخی از کشورهای جهان صنعتی بر تولید ابزار و سلاحهای اتمی، به خاطر سود بیشتر، مانع از این کار می شود و هرگونه تلاشی را برای بیرون رفت از حلقه صنعت مرگبار اتم را نابود می نماید.

ایرانیان مبارز، فعالین سیاسی!

**از هر طریق ممکن
اطلاعیه ها، بیانیه ها و شعارهای
سازمان ما را بدست
کارگران و زحمتکشان
ایران بوسانید!**

جریانات و نیروهای انقلابی اگر هدفشان رهایی طبقه کارگر ایران است در این راستا می توانند گامی همراه با اتحاد فدائیان کمونیست بردارند. تا در این کشاکش انقلاب و ضد انقلاب کارگران با اطمینان حرکت کنند و یکپارچگی مبارزه باعث می شود که قدرت مانور رژیم محدود شده و این زمانی است که یک سازمان قدرتمند میتواند پایگاه در دل طبقه کارگر ایجاد کند و طبقه کارگر ایران با اعتماد هرچه بیشتر حرکت کند.

با ایند به پیروزی و رهایی طبقه کارگر از ستم سرمایه داران و برقراری سوسيالیسم.

انسان وارد آورده هنوز هم بعد از گذشت نیم قرن ادامه دارد.

امريکا تلاش می کند که اين سلاح مرگبار را به انحصار خود در آورد و هر بار با تهدید اقتصادي عليه کشورهای دیگر سعی بر آن دارد تا از تجهیز دیگران به صنعت اتم بکاهد. درحالیکه خود به مدرنیزه کردن و تکامل جنگ افزارهای اتمی ادامه می دهد. سلاحهای اتمی تولید شده در روند طبیعی خود میباشد به فروش بررس و سودآوری داشته باشد و بدین جهت صنعت و تکنولوژی هسته ای به کشورهای دیگر که خود قادر به تهیه ابزار تولید سلاحهای هسته ای نیستند، راه می یابد و تعداد زیادتری از کشورها به دایره قدرت های اتمی افزوده می شوند.

واقعیت این است که امریکا، روسیه و برخی از کشورهای صنعتی اروپای غربی از سازندگان، تولید کنندگان و فروشندهای این ابزار ضد هستی می باشند. گسترش یافتن جنگ افزارهای اتمی و نبود قدرت کنترل بر آن تهدید هستی به مرگ و نابودی را بیشتر می کند.

بکارگیری انرژی اتمی نه تنها در بکارگیری جنگ افزارهای هسته ای خطرناک است، بلکه در زمینه استفاده باصطلاح غیر نظامی و ساختن نیروگاه اتمی برای تولید انرژی نیز نابود کننده و وحشت ناک می باشد.

تاکنون تصادفات و اتفاقاتی در نیروگاههای اتمی رخ داده که خسارات جبران ناپذیری به همراه داشته است. نمونه بارز آن فاجعه ای است که در نیروگاههای اتمی چرنوبیل رخ داد و قربانیان زیادی را طلب نمود. علیرغم ادعایی که گرداندگان

در نیمه دوم ماه مه ۱۹۹۸ هند و پاکستان اقدام به آزمایش سلاحهای اتمی خود کردند. در ابتدا

هندوستان اقدام به این کار و به تعقیب آن پاکستان نیز ۶ بمب اتمی قدرتمند را منفجر کرد. این دو کشور سالیان درازی است که به کاربرد سلاحهای اتمی دست یافته اند و دنیا نیز از آن مطلع است. اما

این بار جهان و به خصوص امریکا و کشورهای اروپای غربی با حساسیت ویژه و سروصدایی بی سابقه به آزمایشهای هسته ای دو کشور نام برده برخورد نمودند.

دولتهای هند و پاکستان با استدلالهای کهنه شده یعنی دفاع از امنیت ملی و رفع خطر از طرف مقابل عمل خود را توجیه نمودند. بهمن بهمن و توجیه گری ای که دو ابرقدرت قدیمی، امریکا و سوری می نمودند و با تجهیز هرچه بیشتر خود به جنگ افزارهای هسته ای و توسعه و تکامل صنعت آن، در مقابل هم دیگر صفا آرایی و قدرت نمایی می نمودند. واقعیت این است، که بخشی از کشورهای جهان به این صنعت جهنمی و ضدهستی مجذب می باشند و برخی دیگر قادر به ساختن سلاحهای اتمی در مدت زمان کوتاهی هستند.

امپریالیسم امریکا هنوز خود از سازندگان و فروشندهای اصلی سلاحهای اتمی است و اولین کشوری که سلاحهای اتمی را در عمل بکار گرفت، امریکا بود.

هنوز آتش جنگ جهانی دوم فروکش نکرده بود و فاجعه جنگ ادامه داشت که امریکا در هیروشیمای ژاپن بمب اتمی را آزمایش کرد و صدها هزار انسان را بکام مرگ و نیستی فرو برد. خسارات بی پایانی که این عمل جنایت کارانه به موجودیت، محیط زیست و

مطاعلید که اتحاد فدائیان کوئیست از همان ابتدای اقدام به توسعه ای خود اتکا به مارکسیسم، نقد گذشت و اتکا به جنبش کارگری و شرکت علی در آن را معور می باشد

های خود قرار داد و در اولین کنگره هم بالین مواضع تاکی مجدد شده است نظر شما در این رایطه چیست؟

روشن است که طبقه کارگر ایران احتیاج به یک سازمان سیاسی انقلابی دارد. خوشبختانه در طبقه انتلابی نیز

شاهد هستیم که سازمانی با تجربه از جنبش کارگری این ضرورت را به درستی متوجه شده است و هدف خود را سازماندهی طبقه کارگر ایران در عمل می داند و جای امیدواری است که این سازمان بتواند بزویدی پایگاهی در میان طبقه کارگر ایران داشته باشد.

غ

که در رؤیای گرفتن امتیاز یک مجله یا گاہنامه عرض شدن اسم رئیس جمهور ایران را تحولی بزرگ می دانند و به درگاه خاتمه کرنش می کنند.

طبقه کارگر ایران واقع است که با دادن شعار یا عرض شدن شخصیت حکومتی نه اینکه بار تورم و گرانی و فقر و فلاکت سبکتر نخواهد شد، بلکه هر روز همه این مصیبتها و مشکلات بر دوش طبقه کارگر سنگین تر خواهد شد و به همان اندازه سرکوب و وحشت بیشتر و حشیابانه تر.

ملاحظات بر تحولات جغرافیای سیاسی و اقتصادی ایران

رابطه با غرب

مناسبات ایران و امریکا در سال گذشته وارد مرحله جدیدی شد. مناسباتی که سالها بشکل غیرمستقیم و از طریق واسطه و رابط پیش می‌رفت و وجه مشخصه جنبه رسمی آن را «محاصره» و «فرار از محاصره» تشكیل می‌داد، وارد مرحله‌ای شد که عنوانین آن را «احترام متقابل» و «بازبینی قانون داماتو» تشكیل می‌دهد.

هرچند بخشی از رژیم هنوز رابطه با امریکا را رویگردانی از اهداف انقلاب تعبیر می‌کند و می‌خواهد با توسل به نقل قول از خمینی و شعارهای داغ و عوام‌بریانه آن دوره رژیم، پروسه رابطه‌گیری مستقیم با امریکا را متوقف کند، اما جناح دوراندیش رژیم که در واقع خط غالب را در رژیم نمایندگی می‌کند، پروسه تنش‌زدایی با ایالات متحده را آغاز کرده است. این جناح با همان استدلالی که چند سال پیش نزدیکی با عربستان و ترکیه و کویت و تنش‌زدایی در منطقه خلیج را در دستور قرار داده بود، امروز نیز سیاست تنش‌زدایی با امریکا را دنبال می‌کند.

در پشت شعارهای سیاسی جناح دوراندیش در دفاع از دموکراسی و تعدیل سیاسی، این جناح پیگیرانه منافع ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی را دنبال می‌کند که عبارت است از ایجاد قطب اسلامی منطقه‌ای و تنش‌زدایی نسبت به سایر قطبها. در این مرحله از اجرای این سیاست، تلاش جناح دوراندیش عبارت خواهد بود از خارج کردن روابط ایران و امریکا از حالت ستیزه‌جویی و وارد شدن به مرحله آرامش بدون مناسبات دیپلماتیک.

درست است که جنجال‌های جناح سنتی پیرامون رابطه با امریکا را نمی‌توان توطئه پشت پرده سران رژیم دانست، اما این جنجال‌ها جز مستمسکی در دست جناح دوراندیش برای بدست‌گرفتن ابتکار در ایجاد رابطه و گسترش آن تا حدی که منافع کل رژیم را به مخاطره نیندازد، نخواهد بود.

رابطه با دول اروپایی نیز از همین قانونمندی پیروی می‌کند. کشورهای اروپایی بسیار زودتر از امریکا در مجري انتشارهای دیپلماتیک و کریدوری را برای لغو قانون دادگاه میکنوس و جنجال دیپلماتیک بعد از آن در واقع رعشة مرگ دیالوگ انتقادی بود. امروز نیز این اتحاد اروپا و شرکت‌های فرانسوی و انگلیسی هستند که فشارهای دیپلماتیک و کریدوری را برای لغو قانون داماتو در مورد ایران به ایالات متحده امریکا وارد می‌کنند.

موقعیت ژئوپولیتیک ایران در منطقه خزر و آسیای میانه از ابتکارات رژیم برای شکستن حلقة محاصره و تحکیم

ژئوپولیتیک ایران بر پایه اسلامگرایی

ایران نیز اگرچه هنوز بسیاری از بقایای فرهنگ پیشاسرمه‌داری در آن حاکم است، اما بواسطه ادامه آن در نظام سرمایه‌داری جهانی از قوانین عمومی نظام سرمایه‌داری پیروی می‌کند.

ایران نیز از مدت‌ها پیش سعی در ایجاد قطب اقتصادی ای داشت تا با تکیه بر آن بتواند حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را تحکیم کند. در زمان دولت

رفسنجانی، ایران و ترکیه بعلاوه ۶ کشور اسلامی دیگر قطبی را بنام «دی ۸» بوجود آورده بود که این ایده که این قطب زمینه‌ساز تقویت موقعیت سیاسی اقتصادی کشورهای اسلامی در حال رشد مانند ایران و ترکیه شود. این تلاش جمهوری اسلامی بدایل مختلفی به شکست انجامید. از جمله با برکناری دولت ارپکان و جایگزینی آن با یک دولت لاییک، گرایش به ایجاد حوزه اسلامی در حاکمیت ترکیه که یکی از ارکان تشکیل این حوزه منطقه‌ای بود، از بین رفت. ناپیشگی سیاسی «سردار سازندگی» رفسنجانی و آمیختن تلاش برای حفظ منافع درازمدت سرمایه و تلاش برای استفاده از تربیون ایجاد شده بمنظور تهییج سیاسی و رتوریک علیه اسرائیل، گروه هشت کشور اسلامی را از لحاظ سیاسی در موقعیت خطیروی قرار داد. از سوی دیگر پراکنده‌گی جغرافیایی این ۸ کشور اسلامی رشد پیوندهای اقتصادی مابین آنان را، حتی اگر انگیزه‌های سیاسی آن هنوز هم وجود داشت، با دشواری‌هایی روبرو می‌کرد که در تحلیل نهایی نمی‌توانست بر جغرافیای سیاسی ایران تأثیرگذار باشد. امروزه به نظر می‌رسد که گروه ۸ کشور اسلامی و پروژه «دی

۸» موضوعیت خود را کاملاً از دست داده و به فراموشی سپرده شده است.

به موازاتی که این تلاش به سرشاری‌بی‌اهمیتی سازیزد شد، اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران برگزار شد که در آن پیشنهاد سران داوری اسلامی برای امضای یک قرارداد عمومی عدم تجاوز میان کشورهای اسلامی و ایجاد یک دیوان داوری اسلامی برای رسیدگی به اختلافات سرزیمنی و منطقه‌ای مورد قبول واقع شد. بنظر می‌رسد که سران جمهوری اسلامی اینبار با ظرافت بیشتری به مسأله پرداخته‌اند و واقنده که خمیرمایه «اسلامی» کنفرانس نمی‌تواند از حد یک پیوند فرهنگی فراتر رود. خاتمی که در عرصه بین‌المللی نیز در صدد تنش‌زدایی با دیگر قطب‌های ژئوپولیتیک است در خلال کنفرانس بخوبی نشان داد که خواهان پرهیز از شعار و ستیزه‌جویی با سایر قطب‌های قدرت است.

سرعت اقتصادی شدن جهان ژئوپولیتیک و پیشرفت فن انفورماتیک (آگاهی‌رسانی) در دهه اخیر اندیشه «روستای جهانی» را بار دیگر در ذهن‌ها زنده کرده است. جهانی شدن اقتصاد و اقتصادی شدن جهان ژئوپولیتیک را باید در چارچوبه‌ای فراتر از اوضاع ملی بررسی کرد. این روند آنچنان پیشرفت کرده که بسیاری از طرفداران کاربست نظریه جغرافیای سیاسی، «ژئوپولیتیسین»ها، امروزه از واژه «ژئوپولیتیک» که ترکیب اقتصاد جغرافیایی را بیان می‌کند، استفاده می‌کنند. در این راستا «دولتها ملی» یا درست‌تر بگوییم حکومتها هر یک در تلاشند تا به نحوی با تقویت روابط منطقه‌ای و گسترش حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود، جایگاه‌شان را در این جهان تغییریابنده ثبت‌شوند.

جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد و اقتصادی شدن جهان ژئوپولیتیک که خود نتیجه روند جهانی شدن سرمایه و تراکم و انسجام سرمایه در ابعادی مأموری ملی بود، نتایج مثبت و منفی‌ای را در بر داشته است. سرمایه که دیگر ابعاد ملی را ترک گفته، برای ایجاد امنیت ابانت در نقاط مختلف جهان به ثبات نسبی‌ای نیازمند است. این امر در نقاط مختلف جهان در گرایش بخشی از سرمایه به تنش‌زدایی در حوزه تحت نفوذ صاحبان سرمایه‌ها مشهود است. این تنش‌زدایی در حوزه‌های مختلف اما به دلیل وجود قطب‌های مختلف سرمایه‌داری هنوز راه زیادی را در پیش دارد تا به تشکیل نظام واحد جهانی نزدیک شود. در طی این طریق بی‌گمان جنگ‌هایی با ابعادی به مراتب بزرگتر و خوبنادرتر از آنچه که بشر تا به امروز شاهد آن بوده است، در پیش روی است. بنابراین علیرغم گرایش سرمایه به تنش‌زدایی در مناطق مختلف برای تضمین سود، در ابعاد جهانی گرایش سرمایه به جنگ‌افروزی و ویرانگری است. ازین‌روز است که می‌بینیم پیمانهای مختلف نظامی در حال شکل‌گیری هستند و علیرغم از بین رفتن «خطر سرخ» در شرق و علیرغم ناچیز بودن «خطر سبز» در مقایسه با آن، گرایش به میلیتاریسم نه تنها کاهش نیافرته بلکه به ایجاد ارتش‌های منطقه‌ای نیز منجر شده است.

از سوی دیگر حتی در نقاطی که سرمایه گرایش به تنش‌زدایی دارد، نیز به دلیل توجه متوجه به سودآوری، سودجویی و ابانت سرمایه شکاف طبقاتی همچنان بیشتر شده و فقر روزبروز گستردگر می‌شود. در این میان همگرایی‌هایی بوقوع پیوسته است که همانطور که گفته شد به نحوی با گسترش حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی جایگاه حکومتها را در این جهان تغییریابنده ثبت‌کند.

میزگرد «چپ و مذهب»

برگزار شد

به ابتکار کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین، جلسه میزگردی تحت عنوان «چپ و مذهب» سازماندهی شده بود که این جلسه در روز جمعه ۸ ماه مه ۱۹۹۸ برگزار گردید.

سازمانهایی که به این جلسه دعوت شده بودند تا دیدگاه خود را نسبت به مذهب بیان دارند، عبارت بودند از:

۱- اتحاد فدائیان کمونیست ۲- حزب کمونبست کارگری ایران ۳- سازمان فدائیان (اقلیت) ۴- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ۵- اتحاد فدائیان خلق ایران

ما ضمن استقبال از مباحث در رابطه با مذهب، دعوت کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین را پذیرفته و در این میزگرد شرکت نمودیم.

جلسه از استقبال خوبی برخوردار بود، اما به علت کمی وقت بحثها از پختگی و رسایی مطلب ناقص بود، و سخنرانان نتوانستند در مدت بسیار کم ادای مطلب نمایند و بصورت ریشه‌ای و اساسی به مقوله مذهب بپردازنند.

ما امیدواریم که برگزاری چنین جلساتی ادامه یابد تا حداقل چپ بتواند بعد از سالیان دراز کم کاری و نپرداختن به مقوله مذهب، قدمهای اولیه را برداشته و تلاشی را برای شناختن و زدودن توهمند نسبت به مذهب آغاز نماید.

اتحاد فدائیان کمونیست در برلین

نه به ارزیابی میزان موقوفیت رژیم در پیگیری این سیاست. هدف تنها نشان دادن گرایش عمومی رژیم در پیروی از منافع عمومی سرمایه بود و اثبات پوچی این ادعا که رژیم جمهوری اسلامی را یک رژیم غیرمتعارف سرمایه داری معرفی می‌کند. خواننده همچنین باید آگاه باشد که این اولین باری نیست که دولت سرمایه داری حاکم بر ایران سعی می‌کند با تحکیم موقعیت ژئوپولیتیک خود پایه‌های حکومت را ثابت شده وانمود کند. بیست و پنج سال پیش حکومت پهلوی هم چنین تلاشیایی را سازمان داد و توانتست ژئوپولیتیک منطقه‌ای خود را با پیروزی در جنگ با عراق در آغاز دهه هفتاد و شرکت در سرکوبی جنبش طفار تحکیم کند و در عرصهٔ بین‌المللی نیز از حمایت امپریالیسم امریکا برخوردار شد. با اینهمه رژیم پهلوی نتوانست جلوی سیل خروشان توده‌های مردم را در سال ۱۳۵۷ بگیرد. جمهوری اسلامی نیز حتی در صورت موقوفیت در پیشبرد طرح تحکیم ژئوپولیتیک نخواهد توانست به خواسته‌های عمومی مردم پاسخ‌گوید و ازین‌رو همانقدر در مقابل جنبش کارگری و خیشمای توده‌ای شکننده خواهد بود که رژیم پهلوی استحاش را یکبار پس داده است.

وظیفه کمونیستها راهیابی برای حل بحران‌ها و مشکلات سرمایه‌داری نیست، سرمایه‌داری در کلیت آن و رژیم جمهوری اسلامی هم به طور مشخص باندازه کافی متخصص و کارشناس دارد که بتواند برای مشکلات خود راه‌چاره‌ای مناسب با منافع سرمایه پیدا کند. اینکه رژیم چقدر در تطبیق خود با منافع و ملزمات سرمایه جهانی موفق بوده برمی‌گردد به ارزیابی از اقدامات انجام شده که موضوع این مقاله نبوده و باید در موقعیت دیگری انجام گیرد.

شروعیں

روابط اقتصادی منطقه‌ای یکی شرکت در کنسرسیون نفتی خزر بود و دیگری قرارداد صدور نفت و گاز ترکمنستان از راه ایران. ایران امروز هم در قرارداد نه و نیم میلیاردلاری گازرسانی بین چین و قزاقستان سپیم است و هم غولهای نفت‌خواری مانند شل، بریتیش پترولیوم، یونیکال و توتال برای امضای قرارداد با رژیم برای گازرسانی از خزر به خلیج فارس با هم رقابت می‌کنند. این رقابت پس از آنکه خط لوله ترکمنستان ایران ترکیه قطعی شد و ایالات متحده با احداث آن مخالفت نکرد، به اوج رسید. به اجرا رساندن این قراردادها و ادامه نقش ایران در این بازار منطقه‌ای که از لحاظ ارزش از منابع خلیج کمتر نیست، تنها با تنشی‌زدایی درون رژیم و ایجاد توازن بین رابطه با سه قدرت چین و امریکا و روسیه ممکن است. اینکه رژیم جمهوری اسلامی به چه حد از بلغ سیاسی و دیپلماتیک رسیده است که بتواند چنین نقشی را ایفا کند و اختلافات رژیم تا چه حد امکان مانور را به سردمداران آن می‌دهد، سوالی است که برای آن نمی‌توان به آسانی پاسخی یافت.

خاورمیانه و ایران

بنبست روند صلح بین عرفات و اسرائیل، رشد اسلامگرایی در بین نیروهای فلسطینی، نقش ایران در تقویت و حمایت مادی از این نیروها و شیعیان جنوب لبنان، چرخش موضع سران رژیم و حمایت ضمیمی آتما از عرفات و نیز اقدام به نزدیکی با مصر از جمله فاکتورهایی بودند که نقش ایران را در حل بزرگترین بحران خاورمیانه در دوران بعد از جنگ جهانی دوم بسیار برجسته‌تر نمود.

علاوه بر آن طرح تنشی‌زدایی با کشورهای حاشیه خلیج از یکسو به معاوضه با قیماندگان اسرائیل ارتقا می‌یابد ایران و عراق و ارسال کمک‌های جنسی برای قربانیان تحریم اقتصادی سازمان ملل منجر شد و از سوی دیگر رژیم توانست با اجرای این طرح موقوفیت خود را در خلیج فارس ثبت کند بگونه‌ای که بارها کشورهای منطقه بر حفظ روابط دوستانه با ایران - علیرغم اختلاف نظر بر سر مسأله جزایر تنب بزرگ و کوچک و نیز ابوموسی - تأکید کردند.

یک مقایسه تاریخی

آنچه در بالا ارائه شد مرور کلی ای بود از تحرکات رژیم و طرفین همطر از آن در سازماندهی جغرافیای سیاسی و اقتصادی منطقه، زاوية نگرش به این تحولات اسلوب جهانی شدن سرمایه و تلاش قدرت‌های منطقه‌ای برای شکل دادن بازارهای منطقه‌ای برای حفظ و یا تطبیق موقوفیت خود با شرایط جدید بود.

خواننده باید توجه داشته باشد که این مقاله نه به بیان چالش‌ها و موانع رژیم برای پیشبرد سیاستش پرداخته و

با کمک‌های مالی خود مسلمان‌مارایزی را سلیل!

رفقا!

اطلاعیه‌ها و تراکت‌های فدائیان کمونیست را تکثیر و بدست کارگران برسانید.
در معابر عمومی نصب کنید و در مکانهای مناسب بنویسید.

اتحاد فدائیان کمونیست

کرامیداشت شهادت سالادور آنده

۲۵ سال کودتا، ۲۵ سال نئوایبرالیسم

خسرو

علیه دولت آنده انجام می‌دادند، برخورد و نقشه نظامیان چگونه بود؟
لوبیولا: در شیلی در واقع بفاسله کوتاهی دو کودتا رخ داد. کودتاچیان در اولین کودتا قصد تصرف حکومت را نداشتند. اولین کودتا در ۲۴ ژوئن ۱۹۷۳ رخ داد که بلافاصله مردم در مقابل کودتا برخاستند و با تمامی وجود دفاع کردند. مردم پادگانها را تصرف کردند. همانشب در سانتیاگو یک میلیون نفر علیه این کودتا به خیابان ریختند. شعارهای مردم در این تظاهرات دو موضوع مهم بودند: ۱- پارلمان را بیندید و پارلمان خلقی دایر کنید، ۲- نظامیان را محکمه کنید. در واقع کودتای اول یک آزمایش ارتش بود و قصدش مزنه کردن دولت و حکومت بود. دومین کودتا که منجر به بقدرت رسیدن پینوشه شد در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ رخ داد که در طی آن سالادور آنده را که نخست وزیر بود به قتل رساندند و حمام خونینی را علیه انقلابیون کردند.

- از وضعیت پناهندگی خودت بگو و روزهای کودتا و شرایط مبارزین در آتموق؟
لوبیولا: در زمان کودتا و بعد از آن شرایط دشتنگی برای انقلابیون بوجود آمد. همانطور که اطلاع دارید هزاران نفر دستگیر، شکنجه و سربینیست شدند. من از سال ۱۹۷۶ الی ۱۹۷۸ دستگیر و زندانی و سپس از کشور اخراج شدم. در پاسپورتی که در آن نوشته شده بود: « فقط برای از کشور خارج شدن معتبر است.» ابتدا به اروپا و سپس به یکی از کشورهای امریکای لاتین آمدم. هم اکنون چند سالی است که اینجا زندگی می‌کنم و در رابطه با کارهای سیاسی اجتماعی فعالیت دارم.

- تعداد پناهندگاهای شیلیایی که از دست حکومت پینوشه به خارج پناه برده‌اند، هنوز کاملاً مشخص نیست. امکانش هست که حدوداً رقم آنرا بگویی؟

لوبیولا: آمار نادقیقی وجود دارد، اما گفته می‌شود ۳۰۰ هزار الى یک میلیون نفر مجبور به ترک کشور شده‌اند. اکثر آنها به کشورهای کویا، آلمان شرقی، سوئیس، مکزیک و فرانسه پناهندگی شدند. برای مثال اعضای احزاب و سازمانهای سیاسی به کویا پناه برندند و اکثر افرادی که امروز حرکات سوسیال دموکراتیکی شیلی را خط می‌دهند و در

نشأت می‌گرفت. آنده جزو این جبهه بود. اینرا هم توضیح بدhem که میر در این جبهه شرکت نداشت.

- سوالی که همیشه شاید برای خیلی‌ها قابل بحث بوده این است که چگونه آنده با وجود اینکه ماهیت ژنرالها و ارتش را آگاه بود، با این وصف در زمان به نخست وزیری رسیدنش، پینوشه را بعنوان وزیر دفاع در کابینه خود جای داد؟
لوبیولا: آنده از وضعیت ارتش و نیت ژنرالها آگاه بود. او هیچگونه امید و یا چشم‌اندازی از ارتش نداشت و می‌دانست که تصویری مثبت از ارتش، خطای جبران‌نایبزیری است. او به انتظار فرصت و موقعیت بود که بتواند موقع دست به کار و خلعتی ژنرالها را امکان‌پذیر کند. همانطور که گفتم آنده یک فرد به تمام معنا انقلابی بود و هیچ شکی در این مسأله نیست. او مبارزه چریکی سیاسی را قبول داشت. تا جاییکه دخترش بشارت‌رس آنده را برای دفاع و نجات رفقاء باقی‌مانده «چه‌گوارا» که در بولیوی در محاصره بودند، به مناطق مرزی شیلی بولیوی و سپس به کویا فرستاد. او حرکت و راه مبارزه «چه‌گوارا» را قبول داشت. از نظر من آنده دو اشتباه مرتکب شد:

اول اینکه قدرت را وی در دست داشت، اما چگونگی تقسیم آنرا از دست داده بود.
دوم - نبود طرح و برنامه آینده در مورد چگونگی برخورد به تصمیمات خلق.
به این صورت که آنده کمونهای خلقی (دهقانان، دانشجویان، کارگران) را قبول نداشت، شوراهای خلق که عهده‌دار دفاع از انقلاب و نظم و عدالت اجتماعی بودند و از خود مایه می‌گذاشتند و از انقلاب دفاع می‌کردند، قبول نداشت و این مسأله را هیچگاه نفهمید. زمانیکه ترورهای سیاه علیه انقلابیون صورت می‌گرفت و خرابکاری ضدانقلاب همچنان ادامه داشت، کمونهای خلقی دفاع و حمایت از انقلاب را با جانفدایی بر عهده داشتند و انرژی می‌گذاشتند، اما آنده این کمونهای فردی را در ضدیت با نظم حکومت میدانست و هیچگاه این مسأله را پی نبرد.

با ترورها و خرابکاریهایی که باندهای سیاه بر

۱۱ سپتامبر ۱۹۹۸ مصادف با بیست و پنجمین سالگرد شهادت سالادور آنده نخست وزیر قیقد شیلی می‌باشد. سالانه آنده شخصیت برجسته و انقلابی امریکای لاتین که با مبارزه و حمایت مردم به نخست وزیری رسید، روزهای دشواری را در طی دوران مبارزاتی خود که همراه با دسیسه‌های سازمان سیاسی امریکا بود، بر خود دید تا جاییکه سرانجام سازمان سیا با حیات و همکاری ارتش این کشور و پشتیبانی از ژنرالها تدارک و توطئه کودتا را توسط پینوشه در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ به اجرا درآورد و با بمباران و حمله به ساختمان نخست وزیری سالادور آنده را به قتل رساند. برقراری حکومت نظامی و ایجاد رعب و وحشت، دستگیری معترضین سیاسی و انقلابیون و اعدام هزاران نفر را اورد حکومت پینوشه و ادامه می‌است امریکای شمالی در شیلی بود که تا به امروز آثار جراحتدار آن در سراسر آن کشور به چشم می‌خورد.

به یادبود خاطره بیست و پنجمین سالگرد شهادت آنده، رفیق خسرو مصاحبه‌ای را با رفیق لویولا سانتاماریا از سازمان میر شیلی انجام داده که امیدواریم تا حدودی گویای مسایل گذشته بر این کشور و اوضاع سیاسی کنونی آن باشد و خواستگان نشریه را بیشتر با نظرات آنده و همچنین سازمان میر در گذشته و حال آشنا کرده باشد.

- بعد از گذشت ۲۵ سال از شهادت سالادور آنده و گرامیداشت خاطره ایشان، ممکن است نظرات خود را در مورد آنده و از خصوصیات وی برایمان توضیح دهد؟

لوبیولا: آنده یک فرد انقلابی بود تا آنجا که هر کس فکرش را می‌کند. آنده کسی بود که تمامی کشور را می‌شناخت. هرگوشه و کنار مملکت را آشنا بود. کارگران، کشاورزان، مردم را درک می‌کرد و به مسایل آنان آشنا بود. اما اشتباهاتی به وقوع می‌پیوست که سرچشمه آن از «حزب جبهه خلق»



- وضعیت میر در گذشته و شرایط کنونی را می‌توانی توضیح بدهی؟ تغییر و تحولاتی که تا کنون بر میر گذشته به چه شکلی پیش رفته‌اند؟ در این مورد لطفاً توضیح دهید.

لوبولا: میر بعنوان اپوزیسیون انقلابی، پایگاه توده‌ای داشته و دارد. ما در مبارزه با دیکتاتوری پیشواش، هیچگاه بر خلاف نیروهای دیگر اپوزیسیون، وی را تنها عامل تباہی و دیکتاتوری نمی‌دانستیم. بلکه برای ما نظام اقتصادی سیاسی رژیم و چهارچوب نظام حکومت و سیستم پلیسی-نظامی رژیم برایمان زیر سوال بود و با کل سیستم بعنوان نظام نابرابر و سرکوبگر مقابله می‌کردیم و نه فقط با شخص پیشواش، میر دوران سختی را پشت سر گذاشت. تشکیلات میر نیروی عظیمی را به خود تعلق داشت. تحولات و تغییرات در میر از دهه ۸۰ آغاز شد. تحولات و تغییراتی که از بالا شروع شد و بدنه و پایه اصلاح از قضایا خبری نداشتند. ۱۹۸۴ بحران اولیه در میر بوقوع پیوست. یک بحران ایدئولوژیکی. یک بخش از میر خود را «حرکت نو» می‌نامید و بخش دیگر پایه قدمیمی، تاریخی-انقلابی میر را در دست داشت. قدرت اصلی در واقع در دست چپ انقلابی بود اما تا اواخر ۱۹۸۷ انشعاب صورت گرفت و سپس انشعابات دیگری مجدداً پی در پی بوجود آمد. بخش «حرکت نو» نیز به راست کشیده شد. اکثر فعالیین میر بعد از انشعاب و بعد از بحران و سردرگمی رو به فعالیت در جهت حرکات اجتماعی آوردند. بدون تشكل و بدون سازماندهی و منفرداً در خیلی از نقاط در حال پیوند و کار با مجامع سیاسی-اجتماعی مناطق زندگی خود هستند. اما بدون تعلق حزبی به میر و یا سازمان دیگری. خیلی از رفقا در حال گفتگوی مجدد با میر هستند که فعالیت با آنرا از سر گیرند. من نیز در حال صحبت با میر هستم که فعالیت با آنها را دوباره شروع کنم. در حال حاضر در کنار فعالیت سیاسی-اجتماعی که دارم در بخش بین‌المللی و مطبوعاتی با میر همکاری و فعالیت دارم و در این راه کمک و یاری می‌یکنم.

- در راستای فعالیت سیاسی-اجتماعی که اشاره کردی، نقطه نظرات میر چگونه است؟ **لوبولا:** میر امروز در حال سازماندهی از پایین است. ما نیرو گذاشتن روی جوانان را اهمیت می‌دهیم و در خیلی از حرکتهاي اجتماعی که داریم پیوند و پایه‌گذاری روی این بخش را ضروری می‌بینیم.

- فکر نمی‌کید که تنها نیروی عظیمی را روی فعالیت‌های اجتماعی و فعالیت‌های فردی گذاشت، سرنوشت‌ش همانند تجربه فعاین منفرد کشورهای



رسیدن پیشوشه آغاز شد و تا به امروز ادامه داشته. ۲۵ سال است که شیلی چوب این سیاست «لیبرالیسم نو» را می‌خورد. لیبرالیسم نو قدرت و موفقیت را برای صاحبان صنایع و کارخانه‌ها بوجود آورد. با پول کارگران و مردم و حتی با بودجه دولت قرضهای صنایع و کمارخانه‌ها تضمین و پرداخت می‌شد. قدرت کشور از بین رفته چرا که قرض خارجی سراسر آور بالا گرفته. وضعیت اپوزیسیون به این شکل است که از دو

بخش تشکیل شده است:

- ۱- اپوزیسیونی که بخش ارتقایون و فاشیستهای نو را شامل می‌شوند و هم اکنون در پارلمان هستند.
- ۲- چپها که شامل حزب کمونیست، اکولوگها (سیزها)، اوانیستها، چهای مسیحی، میر بعضی از سوسیالیستها، مائوئیستها ... است. حزب کمونیست و میر مهترین بخش اپوزیسیون شیلی را در حال حاضر تشکیل می‌دهند. البته جدا از چهای انقلابی، چپها در کل به راست کشیده شده‌اند. حزب آنده در حال حاضر راست شده و به سوسیالیستهای حکومتی تبدیل شده‌اند. حزب کمونیست قبله ۲۰ درصد از آرا را در انتخابات به خود تعلق داشت، امروز فقط ۸ درصد رأی می‌آورد. شیلی همیشه یک کشور در حال تلاطم و دوران سیاسی داشته و همیشه تحولات، شورش و قیام را بر خود تجربه کرده است. دورانی که آنده بر سر کار آمد، زمینها بنفع دهقانان و مردم مصادره و تقسیم شد و صنایع ملی شدند. در زمان پیشوشه بلافضله بعد از کودتای خونین و سرکوب کارگران و رحمتکشان مجدد زمینها به اربابها و سرمایه‌داران واگذار شد و اموال مردم بدست سرمایه‌افتد. امروز تلفن، آب، برق تمامی اینها در دست کمپانیهای خارجی و بیگانه قرار گرفته. در حقیقت کشور فروخته شده است.



در اینجا لازم است به اطلاع علاقمندان
بررسیم که از

۲۱ سپتامبر الی ۱۸ اکتبر ۱۹۹۸

بعنایت و به یاد خاطرۀ بیست و پنجمین سالگرد
شهادت مسالاودور آنده از طرف احزاب و سازمانها
در کشورهای مختلف همچنین در آلمان با دعوت از
سخنرانان شیلیایی در شهرهای

برلین (از ۲۲ الی ۳۰ سپتامبر)
هامبورگ (۱۱ اکتبر)،
برمن (۳۱ اکتبر)،
مونستر (۵ اکتبر)،
دورتموند (۶ الی ۸ اکتبر)،
دیوزبورگ (۹ اکتبر)،
هایدلبرگ (۱۳ اکتبر)،
کلن (۱۰ و ۱۱ اکتبر)،

مراسم‌هایی برگزار می‌شوند که سرلوحة
دعوت به این مراسمها با عنوان ۲۵
سال کودتا، ۲۵ سال نسلی‌لیبرالیسم
می‌پاشد.

خوانندگانی که اطلاعات بیشتری از این
مراسم می‌خواهند با آدرس نشریه کار کوئیستی
تلن بگیرند که در اسرع وقت اطلاعات لازم در
اختیار آنان قرار خواهد گرفت.

۲۸ مرداد برابر است با سالگرد فرمان سرکوبی جنبیش خلق کرد توسط خمینی در سال ۱۳۵۸

در این رابطه و برای گرامیداشت یاد شهدای
خلق کرد، حزب کمونیست ایران (کومله) و
حزب دموکرات کردستان ایران مراسم مشترکی
را برای این روز ترتیب داده‌اند.
ما ضمن پاسخ مثبت به دعوت این رفقا از همه
نیروهای جنبش چپ می‌خواهیم تا با شرکت در
این مراسم به افشاء رژیم جمهوری اسلامی
پردازند.

یاد «چه‌گوارا» برگزار شده بود، ۱۰هزار نفر از
افراد جوان جامعه شرکت نمودند که این مسئله
نشانده‌نده سیاسی بودن، علاقه و تعقیب مسایل از
طرف آنها بود.

در حال حاضر حرکتهایی در جهت تشکیل نیروها
و سازمانهای انقلابی صورت گرفته است. نشستها
و مذاکراتی بر سر چگونگی وحدت نیروهای چپ
انقلابی برگزار شده. در داخل حکومت «لیبرالیسم
نوی» هم که از مکرات مسیحی‌ها و سوسیالیستهای
قدیمی تشکیل شده، صحبت از وجود نسیم‌های کم
و بیشی در میان است. بصورتیکه تعدادی از افراد
متعلق به نیروهای چپ در تلاشند تا بلکه «جای
پایی» را در حکومت بدست آورند. اما اینان زمانی
سمه‌هی در قدرت بدست خواهند آورد که
کاپیتوالاسیون را پیذیرند و دربست در اختیار
تصمیمات «لیبرالیسم نو» قرار گیرند. انتخابات دوره
قبل جنبه قضایا را بر ملا کرد. ۴۰ درصد از
نیروهای رأی دهنده در انتخابات شرکت نکردند
که ۲۰ درصد آن آرای باطل بودند، ۱۵ درصد رأی
ممنوع و یک میلیون جوان که خود را در اصل
برای انتخابات معرفی نکرده بودند. حقیقت این
است که بایستی برای این نیروی فعال جامعه کار
کرد و برنامه و فعالیت داشت.

- وضعیت پناهندگانی که از زمان پیشوای فرازی و
به خارج پناهندگانه شدند، چگونه است؟ آیا حال که
پیشوای فرازی به ظاهر از قدرت کناره گیری کرده؟
هستند افرادی که به شیلی برگردند یا نه؟

لوبولا: حکومت شیلی میدانست و امروز نیز می‌داند
که چه کسانی با میر فعالیت داشته‌اند و چه
افرادی با چه احزاب و گروه‌های فعال بوده‌اند و سیستم
امروز در حقیقت به هر کسی اجازه بازگشت به
شیلی را نمی‌دهند. حکومت «لیبرالیسم نو» امروز
در اواقع پناهندگانها را طبقه‌بندی کرده و اجازه
بازگشت به همه نمی‌دهد. برای مثال ادواردو تا
چند ماه گذشته اجازه بازگشت به شیلی را نداشت
و خیلی از افراد دیگری را می‌شناسیم که هنوز
منوع‌الورود به کشور هستند. هرچند که دولت و
جهان غرب از دموکراسی و آزادی در «لیبرالیسم
نو» شیلی می‌گویند، اما در اواقع قضیه به گونه
دیگری است.

- در پایان مجددًا بخاطر اینکه وقت خودتان را
برای این مصاحبه به ما دادید، بسیار سپاسگزاریم
و برای شما آرزوی موفقیت‌های روزافزونی را در
تعلیمی عرصه‌های مبارزه که در پیش گرفته‌اید،
داریم.

مختلف بخصوص همانند کشورهای اروپایی خواهد
شد؛ برای مثال در خیلی از کشورهای اروپایی و یا
نقاط دیگر دنیا افراد فعال حزبی و یا سازمانهای
مختلف بعد از دورانهای دهه‌های ۶۰ یا ۷۰ و
شورهای مختلف و فعالیت در عرصه‌های حزبی،
سپس در دهه ۸۰ و بعد از آن به فعالیتهای
فردى اجتماعی روی آوردن و خیلی از آنها به
فعال امانتهای، اکلولگها و... پیوستند و در واقع
از سازماندهی گسترش و تشكیلاتی حزبی
روی گردان شدند. یعنی آطور که شاهد هستیم
سرمایه و ارجاع روزبروز منسجمتر و هارتر شده و
بر خلاف آن نیروهای انقلابی و مبارز به کندی
پیش می‌روند. به چه شکل شما این مسئله را
توضیح می‌دهید؟

لوبولا: در حال حاضر تنها آلترناتیوی که برای ما
وجود دارد، این است که در جامعه نقش داشته
باشیم. فعالیتهای اجتماعی و پیوند با جامعه را
گسترش دهیم. ما می‌خواهیم پایه مردمی داشته
باشیم. با وجودیکه این پایه وجود دارد اما کم است.

سازمان میر را می‌خواهیم از درون شکل بدھیم و
پیوند آنرا با جامعه عیقیتر کنیم. طبیعی است که
این تنها آلترناتیو ما نیست، اما حقیقت این است
که در حال حاضر آلترناتیو و امکان دیگری نداریم.
در کنگره‌ای که در پیش است، انتظار تحولات و

حرکات پیشرفت‌های را داریم. ما می‌خواهیم کار در
بخش جوانان را توسعه دهیم. با تأسیس انتیتوهای
علمی و آموزشی تلاش داریم که جوانان را تشویق
به آموزش و نزدیکی به این مراکز علمی‌سیاسی
نماییم. برای جوانان امکانات کمی وجود دارد.
کتاب، روزنامه، منابع مطالعاتی و... بدست آنها
نمی‌رسد. در کل ارتباط جمعی حاکمان و سیستم
آموزشی دولت و فعالیتی در جهت آگاهی و
بیداری جوانان در مورد مسایل اجتماعی و سیاسی

در دستور کار ندارد. در انتخابات دوره قبل یک
میلیون نفر از جوانان به پای صندوقهای رأی
نرفتند و در اصل بعنوان رأی دهنده از ثبت نام و
دادن رأی سرپیچی کردند. زمانیکه یک میلیون
جوان ناراضی آگاهانه در انتخابات شرکت
نمی‌کنند، مطبوعات ارجاع بنحوی قصد داشتند
که قضیه را لوٹ کنند و بهمین جهت آنها را
افرادی نامیدند که غیرسیاسی شده‌اند و علاقه‌ای
به مسایل جامعه ندارند و انتظاری هم از آنها
نمی‌توان داشت. آنها فریبکارانه بایکوت جوانان را

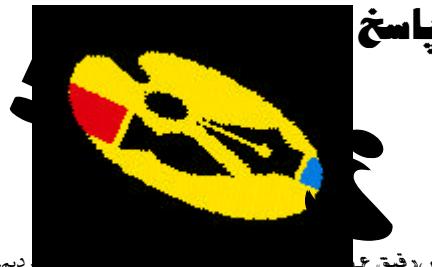
معکوس جلوه داده و آنرا بی‌اهمیت قلمداد دادند.
در صورتیکه این بایکوت حرکتی بود علیه
ناسبانهایها و بی‌عدالتیهایی که حکومت و نظام
«لیبرالیسم نو» شیلی در حال حاضر پیش می‌برد.
بر عکس قضیه بایکوت و ناراضایتی جوانان از
سیاستهای دولت، در کنسرتی که چند ماه پیش به



ص رفقا الـت و م از آلمان: با درودهای انقلابی متقابل، همانگونه که در نوشتتها و مباحثات ما در نشریات آمده است، هدف نخست ما وحدت بخشیدن به صفو خود و به موازات آن تلاش برای وحدت و انسجام جنبش کمونیستی ایران بر پایه نقد گذشته و اثکا به جنبش کارگری در عین حفظ و ارتقای سنتها و تجربیات مبارزات گذشته و احترام به فناکاریها و مبارزات رفقاء خود و تمامی فعالین جنبش کمونیستی و درس آموزی از آنها برای احراز از انحرافات و اشتباہات بیشتر و به این پایه تدوین آنچنان برنامه، اساسنامه و استراتژی و تاکتیک‌هایی است که با واقعیات جامعه و مبارزه طبقاتی درون آن همخوانی داشته باشد. کنگره اول با در دستور گذاشتن طرح تنظیم اساسنامه و برنامه و با انتخاب کمیسیونی برای انتشار طرحها بمنظور بحث علني گام مشیتی در این راستا برداشت. این طرحها به همراه طرح برنامه مطالعاتی در به پیش بزودی منتشر خواهد شد. در این مباحث اساس بر مشارکت آزاد و برابر حقوق همه رفقاء است که به شکل پراکنده و یا در محاذ و چارچوبهای تشکلهای موجود فعالیت می‌کنند. ما فکر می‌کنیم تنها از طریق شرکت آزاد و فارغ از پیشداوری همه رفقاء در این مباحث است که می‌توان دخالت نظری و عملی آنها را در ساختمان نظری سیاسی و تشکیلاتی سازمان و بطریق اولی وحدت و انسجام جنبش کمونیستی بشکل اصولی تأمین شود.

ایدواریم شما رفقا هم در این مباحثات شرکت کرده و نظرات اصلاحی خود را از طریق کنفرانس‌هایی که به همین منظور تشکیل خواهد شد، ارائه دهید. مقالات و انتقادات خود را برای انتشار علني در به پیش به آدرس نشریات ما ارسال کنید و یا مستقیماً برای کمیسیون مزبور ارسال دارید.

صر رفیق م از آلمان: نامه شما را دریافت کردیم از این پس نشریات به آذربایجان ارسال خواهد شد. مسوولین محترم نشریه پوشش: ما خواهان دریافت پوشش هستیم. اما آبونه شدن نشریات برایمان امکانپریز نیست. ما مقابلاً نشریه کار کمونیستی و بپیش و سایر انتشارات سازمان را برایتان ارسال خواهیم نمود.



ص رفیق: نشریات به آدرس شما پست خواهد شد. اما متأسفانه تمامی نشریات بپیش و ویژه کنگره تمام شده و در آینده نزدیک بازتکثیر شده و به تمامی رفقاء که خواستار آن هستند، ارسال خواهد شد.

ص آلمان تشریه پژوهش کارگری: شیکه‌هیستگی با جتیش کارگری آیران». نامه شما را دریافت کردیم. بنظر ما هر قدمی که در راه وحدت و انسجام نیروهای جنبش کارگری برداشته شود و هر گامی که در جهت حمایت از کارگران ایران به جلو گذاشته شود، بسیار مفتمن و مفید است. از حرکت شما پشتیبانی کرده و در دفاع از جنبش کارگری ایران همگام خواهیم بود.

ص ایجن کارگران پناهند و تبعیدی: نامه شما را دریافت کردیم و نشریات به آدرس مذکور در نامه ارسال خواهد شد. در صورت تعویض آدرس لطفاً بخش توزیع ما را در جریان بگذارید.

ص رفیق بد ټنو: نامه محبت‌آمیزان را به همراه مبلغ ارسالی دریافت کرده و نشریه شماره ۸ بعلاوه ویژه کنگره را ارسال نموده‌ایم. و نشریات دیگر نیز به همان آدرس پست خواهد شد.

ص امریکا نشریات ارسالی به شما بازگشت خودهاند. لطفاً آدرس دقیق خود را با خط خوانا برایمان فکس کنید.

ص انگلیس کمیته تشریه کانون: نامه‌تان را پیرامون «اتحادیه مستقل کارگران ایران» دریافت کردیم. برای اطلاع از موضع ما در این رابطه به نشریه شماره ۸ کار کمونیستی رجوع کنید. با آرزوی موفقیت برای شما

نامه شما را دریافت کردیم با دریافت نشریه آنرا در کار کمونیستی معرفی خواهیم کرد. در تلاش برای ارتقای آگاهی عموم در جهت آشنایی با مسائل جنبش کارگری برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

ص امریکا رفقای عزیز: نامه محبت‌آمیز شما را دریافت کردیم. تحمل سالها زندان و شکنجه بی‌شک از رفقاء ما انسانهای کمونیستی ساخته همچون فولاد آبدیده و آماده مبارزه که بدون تردید در دل مردم بویژه کارگران ایران جایگاه ویژه خود را دارند و در رهبری و اعتلای مبارزات آنها نقش بسزایی بر عهده خواهند داشت. ما دست تمامی رفقاء را بگرمی می‌فارسیم. از این پس نشریات سازمان برایتان ارسال خواهد شد اما در مورد نشریه بپیش و سایر نوشتتها که هم اکنون به تمام رسیده‌اند، باید قدری صبر کنید تا بازتکثیر شده و به آذربایجان ارسال شوند.

در مورد رفقاء زندانی که دست به اعتصاب غذا زده و هم اکنون با ۱۵ سال محکومیت در زندان بسر می‌برند، ما سعی می‌کنیم اسامی آنها را به سازمان ملل و سایر مجامع حقوق بشر برسانیم.

سخن با خوانندگان:

عزیزان!

هزینه‌های چاپ و توزیع کارکمونیستی امکان‌پخش ریکان نشریه را به ما نمی‌دهد. از طریق اشتراک کارکمونیستی می‌توانید آنرا مستقیماً دریافت کرده و با اینکار به تداوم انتشار آن کمک کنید.

آبونمان یک ساله (شش شماره)

در اروپا معادل ۱۵ مارک آلمان، امریکای شمالی معادل ۲۰ دلار امریکا، استرالیا معادل ۱۰ پوند انگلیس، کشورهای خاور میانه معادل ۱۵ دلار امریکا جمهوریهای شوروی سابق معادل ۱۵ مارک آلمان

لطفاً فرم زیر را پر کرده و به آدرس نشریه ارسال کنید.

Name: _____

C/O: _____

Adress: _____

Zip-code: _____ City: _____

Country: _____

پیوامون عملیات مسلحانه مجاہدین... بقیه از صفحه اول

دولت خاتمی و دست آوردهای دوم خرداد سازمانداده می شوند.

ثالثاً قبل از این عملیات، عملیات مسلحانه متعددی توسط پیشمرگان سازمان اتحاد انقلابیون کردستان و یا پیشمرگان حزب دموکرات در منطقه صورت گرفته و می گیرد. مقرها و نیروهای مسلح این احزاب هنوز در مرزهای کشور و در پاره ای از نقاط کردستان برقرار است. اما هیچگونه موضع گیری ای از طرف نیروهای امضاسنندۀ اطلاعیه مشترک فوق پیرامون این عملیات اتخاذ نشده است.

اگر ایران فقط تهران نیست و کردستان هم جزو ایران است، پس عملیات مسلحانه در این بخش از کشور نیز کم و بیش همان تأثیری را که عملیات مجاهدین بر روند امور می گذارد، خواهد داشت. سؤال این است که پس چرا این عملیات که مثل همیشه می تواند مستمسک بdest رژیم حاکم بدد تا به بهانه جلوگیری از تجزیه کشور (اکاری که ده ها بار در تاریخ ایران تکرار شده و بعد از قیام هم شاهد بودیم که چگونه به بهانه خطر (تجزیه) با لشگر کشی به کردستان به تشید جو سرکوب و خفغان پرداختند) اقدام به تشید سرکوب کنند، محکوم نشده و نمی شود؟ و یا احزاب دمکرات و کومله چرا اعلام نمی کنند که تا روش شدن روند تحولات (که البته باید کلمه «امیدبخش» را هم به آن اضافه کنند) دست به عملیات مسلحانه نخواهند زد و هرگونه عملیات مسلحانه را محکوم می کنند؟ و چرا منظور و هدف از این انتظار را آشکارا بیان نمی کنند؟ اگر ارزیابی مورد ادعای شما از شرایط موجود، یعنی «اعتلای» که گویا با انقلاب بهمن برابری می کند درست بوده باشد (که در که خود و نیت واقعی نه «اعتلای» که امید بستن ناخودآگاه و هیجان زده به تحولاتی است که توسط جناههای رژیم رهبری می شوند) محکوم نمودن تاکتیک مسلحانه بلطف تئوریک غلط، ضد ماتریالیسم تاریخی و دیالکتیک مبارزه طبقاتی است و به لحاظ عملی موضعی انحرافی و ارجاعی محسوب می شود.

مگراینکه همچون استحاله طلبان به این نتیجه گیری رسیده باشید که «روانشناسی مردم عوض شده است» مردم و حاکمان و یا حداقل جناحی از آن خواهان حل مسائل از طریق مسالمت هستند و طبقه حاکم در نتیجه تحولات ۲ خرداد قول داده تا در پرتو رعایت مسالمت قدرت را که چه عرض کنم اما خواستهای سیاسی و اقتصادی مردم را تقديم کند! و قص علیهذا...

واقعیت این است که یا ارزیابی سازمانهای مزبور از تحولات دوم خرداد تا کون ذهنی و اغراق آمیز بوده است یا جو ایجاد شده بقدری قوی و مسلط شده که بقول معروف سوراخ دعا گم شده است. اگر قرار نیست نیروهای سیاسی و انقلابی زودتر از خود رژیم

خ

بارها در نشریات، اطلاعیه ها و مصاحبه هایشان صحبت می کنند، محکوم کردن عملیات مسلحانه به بهانه تحریک جناحی از حاکمیت برای تشید سرکوب، این خطر را نیز در پی دارد که فردا اعتصابات کارگری هم بدليل خواباندن چرخهای تولید، دامن زدن به بحران اقتصادی، لطمۀ زدن به جو مورد نظر محسوب شده و محکوم شود.

به همانگونه که اعتصابات کارگری در سالهای قبل و بعد از قیام از سوی سازمانهای نظیر حزب توده و اکثریت وغیره به بهانه لطمۀ زدن به اقتصاد کشور و روند مبارزه ضد امپریالیستی توسط دولت بازرگان منجر شد و نیز توسط خیل عظیمی از جریانات سیاسی دیگر به بهانه تضعیف دولت موقع و روند اصلاحات سیاسی، اقتصادی و دموکراتیزاسیون جامعه محکوم می شدند و همه این نیروها کارگران را به تولید بیشتر و حفظ نظم و انظباط کاری دعوت می کردند.

ثانیاً اگر محصول این تناقض از حالت دنباله روی به یک فکر جافناهه و اندیشه دلیل شده و تبلیغ شود نه تنها خطر دنباله روی را تشید و تقویت خواهد کرد، بلکه به تقویت اپوزیسیون استحاله طلب و جناحهای ارجاعی یاری خواهد رساند و بی تردید آن بخشی از نیروهای اپوزیسیون رژیم را تقویت خواهد کرد که در رویای تحولات مسالمت آمیز بس می بزند و با حمایت کامل از جناح خاتمی، نه در پی انقلاب و دگرگونی اساسی در جامعه بلکه خواستار رفتهای در چارچوب همین قانون اساسی جمهوری اسلامی هستند و از این دیدگاه منطقاً نه تنها عملیات مجاهدین بلکه هرگونه عملیات مسلحانه را به بهانه تضعیف دولت خاتمی محکوم می کنند و صدالته اعتصابات کارگری، شورش محلات قیزنشین که تبلور خشم و کینه طبیعت آنها بر علیه کل عوامل و وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ادبی و سیه روزی شان است، نمی تواند مردم پشتیبانی آنها قرار گیرد. این نیروها با اعتصابات کارگری و خواباندن چرخهای اقتصادی مخالفند، چون مشکلات اقتصادی را دوچندان کرده و دولت خاتمی را تضعیف می کند. اینها با هرگونه شورش و تظاهراتی که از حیطه مراکز روش فکری و غیرقابل کنترل و رهبری خارج شود و به محلات کارگری و قیزنشین کشیده شود، مخالفند، چراکه از نظر آنها این حرکات به جو نامنی و تشتبث دامن می زند، ثبات لازم را بر هم می زند و بهانه به «جناح حاکم» و ولایت فقیه می دهد تا برای برقراری ثبات و امنیت دست به کودتا بزنند.

باخشی از آنها یا فراتر نهاده و در شرایط کنونی باخشی از اعتصابات و شورشها را نتیجه تحریک جناح محافظه کار قلمداد می کنند که به منظور برانداختن

اما سیاست برخی از نیروها و جریاناتی که این تاکتیک را به زبان اطلاعیه مشترک راه کارگر، فدائیان «اقلیت»، اتحاد فدائیان خلق و حزب کمونیست، محکوم کردن نیز خالی از ابهام و تناقض نبود.

محتوای کلام نیروهای فوق در اطلاعیه مشترک مذکور عبارت از این است که عملیات مسلحانه در شرایط کنونی (که خود آنرا شرایط اعتلا، انقلاب دوم، جنگ بی امان وغیره می نامند) بهانه بدست «جناح حاکم» می دهد (به رژیم امکان میدهد که سرکوب مردم و محرومان را تشید کند). مراجعه کنید به بیانیه مشترک چهار جریان بتاریخ ۱۳ خردادماه).

این موضع البته برای بخشی از رهبری اتحاد فدائیان خلق (تا آنجا که به مباحثات کنگره شان برمی گردد) قابل ایراد نیست، چرا که حداقل، شرایط را اعتلا اقلایی، انقلاب دوم و... نمی داند، و تصور و برنامه شان فعله «تضعیف ولایت فقیه» برای حذف آن در این مرحله است، ولایت فقیه هم از طرف حزب الهی ها و خط امامیهای سابق و رهبران باصطلاح اپوزیسیون فعلی داخل، نظیر آقای طبرزی، عبدی و دهها شخصیت و مقامی که دارای امکانات تبلیغی و نشریات پر تیاری هستند و از پشتیبانی بخشی از بورژوازی و خرد بورژوازی برخوردارند، در داخل ضریب پذیرتر است تا تبلیغات گروهی اندک آنهم در فراسوی مرزاها. جناح فوق هم صدالته در شرایط فعلی و در فضای بمب گذاری و مسلسل در کردن نمی تواند حرف خودش را پیش ببرد. در این بخش نیست؛ همانطور که مواضع جریانات استحاله طلب در این مورد از منطق خاص خود برخوردار است.

اما صحبت بر سر آنست که احزاب و سازمانهای امضا کننده بیانیه، تا جاییکه در برنامه ها و نوشته هایشان اعلام کرده اند، طالب سرنگونی کل رژیم جمهوری اسلامی از طریق قهر و قیام مسلحانه هستند، روش است که وقتی استراتژی سرنگونی از طریق قیام مطرح است، در شرایط «اعتلای جنبش» عملیات مسلحانه نه تنها به جنبش توده ای و اعتصاب عمومی لطمۀ نمی زند، بلکه اتخاذ این تاکتیک علی رغم اینکه بهانه بدست سرکوبگران بدهد یا ندهد، لازم و ضروریست تا توده های طبقه کارگر و زحمتکشان را تعلیم دهد و آنها را برای دست زدن به قیام مسلحانه پیروزمند و رهبری آن بر علیه بورژوازی آماده کند. تمام تاریخ جنبش کمونیستی و تمام آثار تئوریک، رهبران جنبش بر درستی این تاکتیک در شرایط اعتلا جنبش مهر تأیید زده و تاریخ نیز درستی این تاکتیک را بارها و بارها به ثبوت رسانده است.

علاوه بر آن، در شرایط اعتلا که رفقا از آن بارها و

خلاصه اطلاعیه ها و اعلامیه های اتحاد فدائیان کمونیست

ضرب و شتم جوانان توسط جمهوری اسلامی، صادر شد. در این اطلاعیه از جمله آمده است «مستمسک قرار دادن «بدجایی» و حمله به زنان تحت ستم برای رهبران جمهوری اسلامی بهانه ای بیش نیست تا با نشان دادن قدرقدرتی خود، شما مردمان زحمتکش و معترض را ترسانده و خانه نشین کنند».

و خطاب به مردم زحمتکش آمده است: «هیچ دست غبیی از زمین و هیچ فرشته نجاتی از آسمان برای رهایی شما از ستم و استعمار و فقر و فلاکتی که در آن گرفتارید، پیدا نخواهد شد. تشید مبارزه شما که اکثریت عظیم جامعه را تشکیل داده و سازندگان واقعی آن هستید، تنها وسیله درهم کوبیدن توطه های جمهوری جهل و جنایت و اقلیت ستمگر و استثمارگر حامی آن است».

چهارم مرداد ماه طی اطلاعیه خبری از تجمع مردم شیراز در مقابل استانداری این شهر در اعتراض به کمبود آب و برق، تظاهرات کارگران و کارکنان جهاد سازندگی ایلام و ماه شهر در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق معوقه خود، تجمع اهالی روستای قمرتاج نهادن در برابر فرمانداری این شهر که خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده بودند، و خبر درگیری شدید در زندان تبریز منتشر شده است.

دهم مرداد ماه طی اطلاعیه خبری اعتصابات و اعتراضات پی در پی کارگران و زحمتکشان در نقاط مختلف کشور به اطلاع عموم رسانده شد و از مبارزات کارگران و زحمتکشان حمایت بعمل آمد.

مترقی و انسان دوست را به حمایت از کارگران نفت فرا خوانده شدند.

سی خرداد ماه طی اطلاعیه ای خبر از درگیری کارگران نورد اهواز با مأموران رژیم داده شد و از حرکت اعتراضی کارگران حمایت شد و آنها را به مقاومت و پایداری فرا خوانده است.

شانزدهم تیر ماه طی اطلاعیه ای خبر شورش مردم زحمتکش محله مسعودیه تهران منتشر شد و از همه مردم خواسته شد تا با حفظ وحدت و همبستگی خود در مقابل تعرض مأموران رژیم مقاومت کنند.

شانزدهم تیر ماه اطلاعیه ای در محکومیت اخراج پناهندگان افغانی صادر شد و مردم به حمایت از پناهندگان افغانی دعوت شدند.

چهارم مرداد ماه در حمایت از رانندگان پتروشیمی اصفهان که در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده خود دست به اعتصاب زده بودند، حمایت بعمل آمد.

چهارم مرداد ماه اطلاعیه ای در اعتراض به دستگیری و

دوم خرداد ماه: اعتصاب کارگران آدامس سازی که خواستار افزایش دستمزد بودند، باطلاع همگان رسانده شد و طی این اطلاعیه کارگران به همبستگی و مقاومت در برابر مدیریت فراخوانده شده بودند.

سوم خرداد ماه طی اطلاعیه ای از کارگران نساجی آذربایجان که در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده دست به اعتصاب زده بودند، حمایت شد. در این اطلاعیه از جمله آمده است «دولت و سرمایه داران در شرایطی از افزایش دستمزدها خودداری کرده و پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران را امروز و فردا می کنند که گرانی ارزاق عمومی و افزایش مدام قیمت وسائل معيشیت، جان کارگران و رحمتکشان و افراد کم درآمد را به لب رسانده است. در همین حال سرمایه داران از هر وسیله و امکانی برای تشید استثمار و افزایش سود با ارقام نجومی خود استفاده می کنند».

ششم خرداد ماه طی اطلاعیه ای از مبارزات کارگران فولاد حمایت بعمل آمد و همه احزاب و سازمانها به حمایت از مبارزات کارگران فرا خوانده شدند.

پانزدهم خرداد، اطلاعیه ای در حمایت از کارگران صنایع نفت صادر شد و همه احزاب، سازمانها و افراد

اصولی متعدد و متمنکر کنند و با استفاده از هر فرصتی بجای اتفاق وقت و انتظار معجزه از این جناح و آن جناح حکومتی و یا ملتی که فاقد هرگونه تشکل و آگاهی طبقاتی به معنی واقعی کلمه است و رهبری اعتراضات آن بسادگی در دست عوامل ادبیان خود بر ضد جنبش مستقلش بکار گرفته می شود، به تمرکز کار و فعالیت و انجام وظایف در داخل کشور همت گماشته و راههای ارتباط نزدیک با طبقه کارگر را که تشنّه آگاهی و تشکل است بیاند، و به کار آگاهگرانه سازمانگرانه اصیل و عمیقی اقدام نمایند، دامنه تبلیغ و ترویج را گسترش دهند و در عین حال میباید به تربیت چنان کادرهای کارگری و کمونیستی اقدام شود که بتوانند مبارزات طبقه کارگر را از پیچ و خم های عملیات مجاهدین، افتادن رهبری مبارزه برای «دموکراسی و آزادی» و بطور کلی رهبری اعتراضات مردمی بدست جناحی از رژیم که خود بنا به سوابق و عملکردش یکی از دشمنان آزادی است، یک هشدار بزرگ است به تمامی نیروهای چپ طرفدار طبقه کارگر بویژه کمونیستها که تکان عیقی بخود بدهند، در حد امکان، نیروهای مادی و معنوی خود را بطریق پیروزی بر ارجاع حاکم را تضمین کنند.

گذشته و به آخرین خاکبزها برسد. آنچه که مسلم است، جنبش طبقه کارگر که صدها اعتصاب را تا کنون پشت سر گذرانده و نیز جنبش توده های مردم هنوز در شرایط اعتلا نیست. با انتخاب شدن خاتمی «انقلابی» در کار نبوده، مبارزات کارگران علی رغم وسعت آن اما متأسفانه بنا به دلایلی از حد درخواستهای صنفی و تدافعی فراتر نرفته در موارد زیادی نتوانسته تعریض رژیم و کارفرمایان را به حقوق تثبیت شده خود متوقف کند. توده های مردم به خیابانها نیامده اند و... اما به دلایل مختلف که در نوشه های خود بدانها پرداخته ایم ، امکانات بسیار جزئی ای برای فعالیت بیشتر در داخل فراهم شده، نمی ماند، تنها به دنباله روی در نمی غلتند بلکه کار را عمليات مجاهدین، افتادن رهبری مبارزه برای زمین تا آسمان بیافتد. در این روال طبیعاً تاکتیک نه به جایی می رساند که میان برنامه و تاکتیک، میان آنچه که ادعا می شود و آنچه که عمل می شود فاصله ای از بمثابه حلقه ای که ما را به زنجیر استراتژی وصل می کند، بلکه هدف استراتژی را در وادی بی چشم انداز بی نقشگی، دنباله روی و آشفته فکری رها می سازد و دشمن امکان می باید تا آسوده خیال از میان سنگرهای



حکایت

حکایت می‌کنند که مردی یزدی از یکسو بر خر جست که سوار شود، از دیگر سو برافتد. برخاست و گرد و خاکش را تکاند و گفت: «انگار کنم که ورنجستم» حالا داستان برخی از «روشنفکران» چپ نماست که به همت مبارزات انقلابی دهه ۵۰ صاحب فکر و عقیده و آرمانی شده بودند، اما اینروزها در سوار شدن بر خر مراد آنقدر جستند و جستند که از آنور بر زمین افتادند و در حالی قرار گرفته‌اند که در دهه چهل بودند و حرفهایی می‌زنند و نسبت به امورات سیاسی، فرهنگی، هنری، اختلافات درون حکومت جبار اسلامی به همان رسیمانهای پوسیلیطی چسبیده‌اند که خود زمانی می‌باشند و یا در مخالفت صور با آن هویت یافته بودند. انگاری که ورنجستند. بر عکس آن مرد ساده یزدی که هنوز خود را سوار بر خر مراد می‌دانند.

نه متأسفم همه آن پنج میلیارد دلار برای آقای فلانی

تبوده پای شرکای رئیس جمهور هم گیر قضیه است. آیا می‌دانید درمان بیماران روستای ماسوله چار محل که حدود ۴هزار نفر جمعیت دارد فقط با بیل و کلنگ است تا آنها را دفن کنند. در منطقه ما مردم از آبان تا خرداد در محاصره برف قرار می‌گیرند.

اصغر رحیمیان

اولین قدم برای رفع مشکلتان این است که بیل و کلنگها را بردارید و نظام جمهوری اسلامی را دفن کنید.

فکر می‌کنید تا کی می‌توان هجوم فرهنگی غرب را با سانسور و ایجاد محدودیت خنثی نمود.

سیامک بکایی

جناب سیامک، تا زمانی که جمهوری اسلامی برپاست به یاد داشته باشید ما انقلاب کردیم علیه ستم شاهی، زور، دیکتاتوری، خفقان، ظاهرسازی، نبود آزادی، قطع وابستگی، هزار فلیلی و مواردی از این دست (پس چی شد؟)

بدون نام

متأسفانه همان آش است و همان کاسه.

زنده باد تلاشی دیگر

لطفاً بفرمایید در نبرد تحصیل کرده‌ها و روشنفکران با تاریک اندیشان تیره بین شما طرف کدامیک هستید. ناهید کناش

خانم ناهید. چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است. آقای رئیس جمهور حتی رنگ عمامه‌اش هم سیله است.

چه زمانی ضوابط جای روابط را خواهد گرفت؟ فاطمه پازند

زمان سوتگونی جمهوری اسلامی دور نیست لطفاً از آقای یزدی و نومیری پرسید: شما برای ایران چه کردید؟

سلام رساندند که جز پر کردن زندانهای ایران و اعدام بیمارزان و مخالفان سیاسی‌شان، نقل و بخور بخور مال مردم. هیچی!

آقای رئیس جمهور آخر صبر تا کی؟ چرا به تعزیزات جناح مقابل پاسخ نمی‌گویید؟

وقتی ملت ۱۹ سال تعرض رژیم را صیر و طاقت آورد. فکر می‌کنید خانم نمی‌تواند پشت‌چشم نازک کردن یزدی را تحمل کند؟

**شما هم برای اکبر آقا
طنز بفرستید!**

با جنبش زنها من گر مشکلکی دارم
(منظور منصور حکمت است)

شک نیست که دل گاهی با خوشگلکی دارم
در حزب خودم حتی اعظم زنکی دارم

خود حدیث مفصل بخوان از این مجله!



یک دقیقه با رئیس جمهور

نشیوه همشهری ستونی با عنوان فوق بالا که مردم بتوانند «حرف هل خود را با رئیس جمهور خود» در میان بگذارند. تقریباً تمام کسانی که به این ستون مطلب می‌فرستند سؤالاتی را مطرح می‌کنند که نشیوه و رئیس جمهور آخوند خاتمی از جواب داشتند به این سؤالات عجز می‌باشد. بنده هم از آتجالی که دیدم رئیس جمهور و شرکای درد و دله اش بجا ای اداره کشور نشسته‌اند و ادای اپوزیسیون حاکمیت را در می‌آورند فکر کردم لاین وظیفه پوزیسیون است که از قول رئیس جمهور به درد و دل مردم مستمده است ایران جواب بدهد.

سؤالاتی که انتخاب شده‌اند (بجز آخری) از نشیوه‌های همشهری شماره لایه بعد هستند سؤال آخر راهم از نشیوه محبوب رئیس جمهور مhaltenه دنیا سخن انتخاب کرده است.

آذراوغی

چرا شما مردم را نسبت به فسادهای اخلاقی جناح مقابلتان آگاه نمی‌سازید؟

یک پزشک خاموش

- آخر پای خودش هم گیر است لطفاً به ما بگویید ما در شهر زندگی می‌کیم یا در جنگ؟ بر ما قانون منی حاکم است یا قانون جنگ جعفر مراغه‌ای

آقای مراغه‌ای شما در شهری و در کشوری زندگی می‌کنید که درینده خوبیان بر آن حاکم هستند. پس طبیعی است که قانون مدنی بر آن جامعه نمی‌تواند حاکم باشد.

آیا شمامی توانید پرونده ده ساله شرکت دخانیات را مطالعه کنید و بینید اختلاس چند ده میلیون دلاری به خاطر پرداخت پنج میلیارد ریال آن به آقای خیلی زود خاتمه داده شد؟

آیدین



کارزار بین‌المللی محکومیت جمهوری اسلامی را تقویت کنیم.

در ماههای اخیر تلاشی هماهنگ و گستردۀ برای محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی در مجتمع بین‌المللی صورت گرفته است.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی از ماه مارس امسال در تدارک هماهنگ کردن نیروهای اپوزیسیون برای فراخوان تشکیل دادگاه بین‌المللی برای محاکمه کلیه سران جناح‌تکار جمهوری اسلامی بوده است و در پایان ماه اوریل نامه‌ای به ریس دیوان بین‌المللی لاهه، دبیر کل سازمان ملل، ریس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، ریس سازمان غیر بین‌المللی و ریس پارلمان اروپا صادر کرده است. نیروهای امضا کننده درین نامه ضمن بر شمردن جنایات رژیم جمهوری اسلامی خواستار تشکیل دادگاهی برای محاکمه رژیم شده‌اند. موافقی با این حرکت‌ها، و کلماً مستقل از تحولات ایران و تلاشهای اپوزیسیون برای محکومیت جمهوری اسلامی، نشست سالانه سازمان ملل تصمیم گرفت امر دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به شکایات مبنی بر نقض حقوق بشر توسط دولت‌ها نسبت به ساکنین هر کشور را رسیمیت بخشد که حتی نمایندگان رژیم جناح‌تکار جمهوری اسلامی هم با تشکیل چنین دادگاهی موافقت کردن.

ما ضمن حمایت گستردۀ از تلاشهایی که برای محکومیت جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد امیوایریم این تلاشها بتوانند گوشۀ هایی از جنایاتی را که رژیم هر روزه و بطور سیستماتیک نسبت به اکثریت محروم جامعه اعمال می‌کند را به جهانیان نشان دهد.

گرامی باد یاد و خاطره شهدای خلق کرد

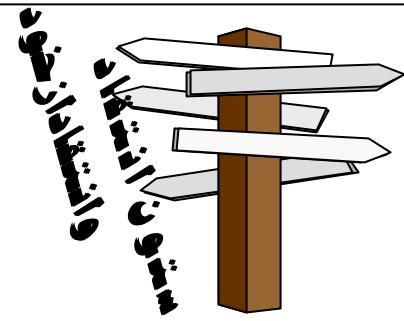
بمناسبت ۲۸ مرداد سالروز فتوای
حیفی برای سرکوبی جنبش کردستان

دارد با شوراهای چگونه خواهد بود. یا به عبارتی رابطه حزب کمونیست و شوراهای چه خواهد بود. چه طبقات یا گروههایی در این شوراهای شرکت خواهند کرد؟ اصلاح هیچ برنامه‌ای برای گرفتن قدرت سیاسی دارید یا می‌خواهید مثل چپ رفرمیست به اپوزیسیون بورژوازی ایران و جامعه مدنی اش تبدیل شوید و به آن قانون باشید. اصلاح برنامه حداقل شما برای اوضاع بحرانی کنونی که هر لحظه امکان دارد دستخوش حوادث گردد چیست؟ انتصاد بیمار ایران را چگونه خواهد ساخت؟ مسئله ارضی را چگونه حل خواهید کرد؟

و هزاران سؤال جواب نداده که هیچ جوابی هم برایش ندارید. وقتی نشیره‌تان را ورق می‌زنم یک خط علیه مذهب و در افشار آن نوشته نشده. کلام چیز جدیدی ندارید فقط تکرار مکرات. در فردای سرنگونی رژیم اگر اوضاع بیشتر شد وظيفة شما چیست؟ چه خواهید کرد که جنگ خانمان‌سوز داخلی ایجاد نشود؟ اینها و هزاران سؤال که جلوی پای چپ انقلابی قرار گرفته و جواب می‌طلبید و جوابش را امروز باید داد نه فردا. در روزنامه دیماه خود اعلامیه ۱۰ سازمان سیاسی را داده و به ناحق از بعضی از این سازمانها به نام چپ انقلابی یاد کرده اید. راه کارگر و رنجبران از کی تا حالا چپ انقلابی شده‌اند. بر همه عیان است که حداقل راه کارگر رفرمیست ترین سازمان بعد از اکثریتی‌های خائن هستند. از آنان به نام چپ انقلابی یاد کرده اید. زیرا بگوییم که ساختن خلاصه در پایان می‌خواهیم اینرا بگوییم که ساختن و تشکیل یک سازمان جدید علاج درد چپ انقلابی ایران نیست و بروید و بنیانی به مسئله برخورد کنید. و فکر کنید که وظيفة شما در مقطع کنونی تشکیل سازمان جدید است یا محلق شدن به یکی از محاذل (بخوان سازمان) موجود. من آدرس را هم برایتان می‌فرستم. اگر فکر می‌کنید حرها تا حق نمی‌زنم، جواب را بدھید یا در روزنامه‌تان آنرا به چاپ برسانید.

متشرکرم اسد ۱۹۹۸ ۲۸ جون

پاسخ
بسیاری از مسایلی که رفیق اسد و مسایلی از این قبیل که رفقاء دیگر در باره گذشتۀ سازمان و شرایط امروزی جنبش فدایی مطرح کرده یا می‌کنند، در بولتن‌های بدپیش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. ما از این رفقا دعوت می‌کنیم که در این بحث‌ها فعالانه شرکت کنند تا به همراه هم برای مشکلات جنبش کمونیستی ایران پاسخی درخور بیابیم.



رفقا خسته نباشید

مدت طولانی بعد از تشکیل سازمان شما یا یک سازمان جدید دیگر، مسایلی وجود دارد که مثل خوره ذهن و فکر را گرفته بود و راحتمنی گذاشت. بهتر دیدم که نامه‌ای بتویسم و سوالات و انتقادات خودم را مطرح کنم. شاید جواب معقولی دریافت کنم. تا آنچه‌ای که من به یاد دارم بعد از انقلاب ۵۷ سازمان‌های سیاسی شعار تشکیل حزب کمونیست را در سطر کار خود قرار دادند. قول دادند که با مبارزه ایدئولوژیک به این هدف مهم نائل آیند. اکنون بعد از بیست سال نه تنها آن حزب به عنوان یک آرزوی دوردست باقی مانده، بلکه چپ بیشتر شقه شقه شده و تازه سازمان و محفل می‌سازد. در این شرایط همین یکی را کم داشتیم، سازمان جدید دیگر!! سؤال من این است که اگر بعد از بیست سال به اصطلاح مبارزه ایدئولوژیک این گروهها نتوانستند به یکدیگر نزدیک شوند، چطور شما انتظار دارید که حالا به همدیگر نزدیک شوند و زیر یک پرچم سینه بزنند. اصلاح چه تغییرات بنیادی ای در روند جنبش درون یا سبک کار و ایدئولوژی شماها پیش آمده که حالا احساس می‌کنید که گروههای دیگر باید بیاند زیر پرچم شما. اصلاح شما چرا زیر پرچم دیگران نرفتید.

چندین شاخه بقولی فدایی وجود دارد. شما هیچ نزدیکی و قرابتی به هیچ کدام از اینها احساس نکردید. مدت طولانی ای با هسته اقلیت بحث‌هایی داشتید که نتوانستید به نقطه مشترکی برسید. حالا که شما سازمان خودتان را تشکیل داده اید از آنها می‌خواهید که بیانند زیر پرچم شما. شما قبل از اینکه ثابت کنید عملت و اختلاف اولیه شما که به بدترین شکل تراژدی تاریخ چپ ایران ۴۱ بهمن) پایان یافت، چه بود که حالا می‌خواهید بدون بازگردان آن مسایل یکباره درخواست بکنید شدن تمامی شاخه‌های فدایی را بکنید. یک زمانی فرمان جدایی و انشقاق و زمانی دیگر فرمان نزدیکی و اتحاد می‌دهید. این از این.

از طرف دیگر شعارهایی را که مطرح می‌کنید، مثل جمهوری شورایی. شعار را باز نمی‌کنید که رابطه سازمان شما که حکم حزب را هم ظاهر



برخورد خارج از نزاکت و دور از شأن و منزلت انسان محکوم است.



خود را به اطلاع خوانندگان نشریه برسانند. این صفحه همچنین وظیفه دارد تا پیوند نشریه را با خوانندگان متنوع خود برقرار ساخته و به آن تداوم بخشد. بنابراین مقالات این صفحه نه بر اساس مواضع و برنامه سازمان، بلکه بر اساس کیفیت آنها انتخاب و درج خواهد شد. مامتنظر دریافت نظرات خوانندگان هستیم.

هرچند که براساس اعتقاد عمیق ما به آزادی اندیشه و بیان صفحات کارکمونیستی برای انعکاس نظرات، مباحثات، انتقادات و طرحهای خوانندگان حول مسایل مبرم جنبش و جامعه باز خواهد بود. اما با این وجود صفحه‌ای تحت عنوان دیدگاهها در نظر گرفته شده است تا آنها یکی که ممکن است درباره مسایل مختلف همچون ما و برنامه ما نمی‌اندیشند. بتوانند نظرات

گردانندگان اطلس هم می‌دانند که اختلافات سیاسی را باید در جایگاه خودش و با بحث و منطق حل و فصل کرد نه با چماق تحقیر و توهین و حرفهای رکیک و زننده‌ای که شایسته انسان نیست.

«زنک» نامیدن عضو یک جریان سیاسی، متهم کردن غیرمستقیم به داشتن رابطه «نامشروع» بی‌ناموس نامیدن اعضای یک حزب سیاسی توهین و تحقیر مبارزانی که تحت عنوان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر صدها تن از آنها همجون بقیه کمونیستها و انقلابیون در زندانها و پای چوبهای دار از آرمان آزادی و سوسیالیسم دفاع کردند، تنها تکمیل کردن کار رژیم در سرکوب این نیروهای اینها در شمار آن کلمات و جملاتی است که تنها از دهان متجرگران، مرتتعین و دشمنان آزادی و ضدکمونیستهای دوآتشه بیرون آمد و برای بزانو در آوردن و شکستن مقاومت اعضای سازمانها در زندانها و فریب افکار عمومی بکار گرفته شده و می‌شود. اینگونه برخوردها درواقع کار دشمن آزادی و سوسیالیسم را آسان می‌کند، تخم کینه و نفرت می‌کارد و حاصل آنرا تنها مرتتعین درو می‌کند.

اینگونه بی‌مسئولیتیها در برخورد به مخالفان سیاسی هرگز از دید تیزین مردم زحمتکش و افراد و نیروهایی که این اتهامات و تحقیر و توهینها به آنها روا داشته می‌شود، بدور نبوده و نخواهد بود. بدیهی است که وظیفه همه انسانهای آزاداندیش و مترقبی و نیروهای سیاسی انقلابی است که در مقابل اشاعه یک چنین سبککار و فرهنگی ایستادگی کرده و با محکوم کردن آن گام مثبتی در جهت سالم‌سازی محیط مباحثات سیاسی و ایجاد فضای بحث و گفتگوی سالم بردارند.

شراره ایرانی

اصلاً در کار نیست و همکاری برای حل مسایل و معضلات جنبش و پاسخگویی به نیازهای مبارزاتی در تفکر و برنامه آنها دیگر محلی از اعراب ندارد. بی‌شک وقتی این سازمانها همین اندک نیروی خود را هم بجای تدارک وحدت و انسجام خود وقت و امکاناتشان را برای چنگ‌انداختن به صورت هم‌دیگر تلف می‌کنند، واقعاً هم‌نه جایی برای اندیشیدن مستقل حول نیازها و مطالبات مردم باقی می‌ماند و نه نیرویی برای تأثیرگذاری عملی بر مبارزات جاری باقی خواهد بود.

در این رابطه نشریه اطلس شماره ۴۰ در برخورد زننده و حقوق‌آمیز به احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و کمونیست سنگ تمام گذاشت شماره ۴۰ اطلس که مملو از فحش و حرفها و کلمات زننده و دور از نزاکت به نیروهای سیاسی بویژه به حزب کمونیست کارگری نظری «بی‌ناموس»، «زنک»، «طاقباز» و غیره هست است لمپنیسم و بی‌مسئولیتی نهفته در نشریه مزبور آنهم با نیروهای سیاسی نشانده‌است که متأسفانه فرهنگ سرکوب اندیشه، اتهامزنی و فحش و فضیحت بجای بحث سیاسی در جامعه ما چیزی نیست که مختص نیروها و افراد لمپن مرتعبع و ضدکمونیست باشد بلکه در نیروها و افراد روش‌نفر، تحول طلب و حتی «سوسیالیست» هم نیز ریشه داشته و تنها شرایط مطلوب لازم است تا خود را به نحو مشتمل‌کننده‌ای بروز دهد.

تردیدی نیست که اینگونه برخوردها با مخالف سیاسی و یا حتی اجازه دادن به آدمهای بی‌مسئولیت در تخطیه جنبش کمونیستی و نیروهای آن را هیچکس به حساب تنها فرد سردبیر نشریه‌ای که نه مسئول دارد و نه هیئت تحریریه مشخص نمی‌گذارد. طبیعی است که

درست در شرایطی که تمامی نیروهای اپوزیسیون بیرون و درون رژیم اسلامی در حال تغییر و تحول و بسیج نیروهای خود هستند، تا از آخرین ذخیره خود در تبلیغ و ترویج و تأثیرگذاری بر تحولات جامعه و سمت و سو دادن به اعتراضات مردم به نفع برنامه و سیاستهای خود استفاده کنند، و تبلیغات بسیار گسترده و بی‌وقعه‌ای را برای ایزوله کردن جنبش کمونیستی و کارگری و نیروهای چپ جامعه بکار گرفته‌اند، و خود را آلترناتیو «نجات دهنده» مردم از فقر و فلاکت و سیدروزی جلوه می‌دهند، بخشی از نیروهای سیاسی «چپ» آنچنان بجان هم افتاده‌اند و با لحنی زننده و دور از شأن و منزلت انسان بهم‌دیگر پرخاش می‌کنند که گویا مبارزه با دشمن مشترک

شبکه همبستگی با جنبش کارگری ایران کار خود را آغاز کرده است.

با حمایت مادی و معنوی از این شبکه مبارزین جنبش کارگری ایران را در هرچه هنجم تر کردن صفوافشان یاری رسانیم.



تبلور آتش و خون در شعر معاصر



شاره ایرانی

پر شده خاتمه بند از کل. شعر
شاخه شعر فروریخته در هر سلول
از لب پتجره‌ها:
یس که می‌گردم در کوشة بند
یس که می‌خواست از هر کل جا.

آئی در من روای می‌خواست
شاخه اویخته از پتجره‌ام بیدبختی
برگ می‌لرزاند
روی دیوار. کل تازه نور
پوک می‌کسترد و می‌داند
دد دل. بند کجا؟ در دل. کلخانه من
حقه آهوتی می‌دامنم
آن گیومو که به یام آمده یود
بال در بال. سحر
از لب. یام قرو آمده می‌شانه من

ناکهان باز به جا می‌مانم
تیر. آوار. صداثی تزدیک
می‌کشاید در. می‌بندد دست
دوی چشمانت.

- چشمانت سحر -

چشمیتدی تاریک.

لحظه‌ای می‌مانم.

می‌روم خوتالود

شعر. خویست. وقیقان را در قعر جکو می‌خوانم.

هفده سال پیش سعید سلطانپور به جوخته اعدام سپرده شد. شاعری که بقول منتقدین شعرش، برجسته‌ترین نماد دوره‌ای از رشد شعر معاصر - یعنی شعر سیاهکل - بود. هنرمند مبارزی که در صحنه تئاتر مبارزه می‌کرد و نه مانند بسیاری از امروزیان که در صحنه مبارزه تئاتر بازی می‌کنند.

شعر سعید، در دوران قبل از قیام، گزارشی بود شعرگونه از درون مخوف‌ترین سیاه‌چالهای رژیم شاه و بدینگونه بود که زبان وی بشارت انقلاب سرخ و نزدیک توده‌ها در غالب شعر شد. سعید هم مانند هر شاعر دیگری به بیان احساساتش می‌پرداخت. اما آنچه سعید را از بسیاری از شاعران همزمان وی تمایز می‌ساخت، رابطه‌ای با مبارزه و احساساتش نسبت به این مبارزه بود. سعید مذاх جنبش انقلابی نبود، سرباز «سنگر سرخ سازمانش» بود. زمانی که شاعران نام‌آورتر از سعید در بیان احساساتشان نسبت به جنبش نوین انقلابی ایران به تحسین پیشگامان این مبارزه می‌نشستند، سعید از احساسات لطیف زندانی دریند رژیم شاه می‌سرود. بیشک انجیزه همه پیام‌آوران «شعر سیاهکل» به یک اندازه پاک و بی‌آلایش بود، اما نگاه سعید به این جنبش نگاهی از درون بود. عنصر اصلی این اشعار خون، خون و باز هم خون بود.

اشعاری خونبار که به خونخواهی مبارزین به خون کشیده شده، سروده شده بودند و در عین حال لطیفترین پیوندها را با زیباترین عناصر طبیعت ایجاد کرده بودند.

پس از پیروزی قیام، چشم سعید هم مانند بسیاری دیگر از رفقاء همسازمانش به جنبه‌های دیگری از مبارزه گشوده شد. مبارزه دیگر تنها در زندانها، سیاه‌چالها و سنگرهای جریان نداشت: کارخانه و مزرعه هم عرصه‌های دیگری از مبارزه بودند. تلاش‌های سعید برای به تصویر کشیدن این مبارزه، جنبه دیگری از توانایی‌های وی را آشکار ساخت که در نمایشنامه «عباس آقا، کارگر ایران ناسیونال» به اوج شکوفایی خود رسید. در زمینه شعری هم این تحول فکری خود را نمایان ساخت. «فلزکاران» و «زمین‌تاوان» عناظر جدیدی در شعر سعید بودند که هرچه بر جستتر رخ می‌نمودند. در آخرین شعر سعید «جهان کمونیست» این عناظر بخوبی با یکدیگر ترکیب شده و گزارشی شعرگونه از آن تحول فکری که در جنبش کارگری ایران درحال شکل‌گیری بود، بدست می‌دادند. پیوند عنصر کار و مبارزه توده‌ای در کنار عنصر پرخون عصیان انقلابی بجامانده از پیش، کیفرخواست جنبش کارگری ایران علیه نظم سرمایه‌داری بود و «جهان کمونیست» را می‌طلبد.

۲۴ مرداد ۱۳۶۰	۲۵ هادی حسینزاده کرمانی	۷ مرداد ۱۳۵۱	۱۳ مهدی فضیلت‌کلام
۲۵ مرداد ۱۳۶۰	۲۶ رزه رفمانبردار	۸ مرداد ۱۳۶۰	۱۴ مهدی یوسفی
۲۵ مرداد ۱۳۶۰	۲۷ عظیم سرعانی	۸ مرداد ۱۳۶۰	۱۵ حسن گیل
۲۸ مرداد ۱۳۵۱	۲۸ احمد زیرم	۸ مرداد ۱۳۶۰	۱۶ ابراهیم جلالی
۲۸ مرداد ۱۳۵۸	۲۹ سعیدمیرشکاری	۱۳ مرداد ۱۳۵۸	۱۷ ونداد ایمانی
۲۸ مرداد ۱۳۵۸	۳۰ هرمن گرچی‌پیانی	۱۳ مرداد ۱۳۶۰	۱۸ گوردرز همدانی
۲۹ مرداد ۱۳۵۹	۳۱ مسعود جعفرپور	۱۷ مرداد ۱۳۵۴	۱۹ جهانبخش پایدار
۳۰ مرداد ۱۳۵۱	۳۲ فریدون شافعی	۱۸ مرداد ۱۳۶۰	۲۰ جمیل اکبر آذر
۳۰ مرداد ۱۳۵۸	۳۳ یوسف کسی‌زاده	۱۹ مرداد ۱۳۶۰	۲۱ جمشید پورقاسمی
۳۰ مرداد ۱۳۵۸	۳۴ ابوالقاسم رشوندسرداری	۲۱ مرداد ۱۳۵۵	۲۲ مرتضی (امیر) فاطمی
۳۰ مرداد ۱۳۶۱	۳۵ جواد کارش	۲۱ مرداد ۱۳۶۰	۲۳ ایوب ملکی
یادشان گرامی راهشان پایدار		۲۲ مرداد ۱۳۶۰	۲۴ بیژن مجnoon

۱ زین‌العلابدین رشتچی	۱ مرداد ۱۳۵۴
۲ غلامرضا بازتراد	۱ مرداد ۱۳۵۴
۳ حسین الهیاری	۱ مرداد ۱۳۵۴
۴ محمدرسول عزیزان	۱ مرداد ۱۳۵۹
۵ محمدصفاری آشتیانی	۲ مرداد ۱۳۵۱
۶ عباس جمشیدی‌رودباری	۲ مرداد ۱۳۵۳
۷ داریوش شفاییان	۳ مرداد ۱۳۶۰
۸ قدرت‌الله (مجید) شاهین‌سخن	۵ مرداد ۱۳۶۰
۹ فرزاد صیامی	۵ مرداد ۱۳۶۰
۱۰ عبدالکریم عبداللپور	۶ مرداد ۱۳۶۰
۱۱ فرامز شریفی	۷ مرداد ۱۳۵۱
۱۲ فرش سپهری	۷ مرداد ۱۳۵۱

**Kar-Co, No: 8
August 1998**

بولتن مباحثات به پیش منتشر شد ((در تدارک کنگره دوم))

شامل طرح پیشنهادی

برنامه و آساناوه

اتحاد فدائیان کمونیست
و ۱۵۰ سال با مانیفست

از آنجا که به پیش با تیراز محدود ۳۰۰ نسخه چاپ می شود، برای تهیه آن
با آدرس ما تماس بگیرید

با درود بیکران به تمامی جانباختگان راه آزادی و سوسياليسم نگ و نفرت به جمهوری اسلامی

شهریور ماه در راه است. ماهی که در آن هزاران تن از زندانیان سیاسی ایران، بدستور خمینی و جلادان همیست وی قتل عام شدند. قتل عام زندانیان سیاسی ایران در شرایطی صورت گرفت که جهان سرمایه‌داری با امید به کرامات رهبران باصطلاح «پرآگماتیست» جمهوری اسلامی لامتا کام صدایشان را در نیاوردن، زبان به اعتراض نگشودند و حتی اخبار این جنایات بزرگ را هم تا مدت‌ها پخش نکردند. د در آن شرایط اپوزیسیون انقلابی هنوز از آنچنان امکانات و نیرویی در خارج از کشور برخوردار نبود تا با افشاء این جنایات که مسابقه، افکار عمومی مترقی جهان را در جریان آچه که در زندانیان مخوف جمهوری اسلامی می‌گذشت، قرار دهد. هنوز بعد از جنایات جمهوری اسلامی بیوشه قتل عام شهریور ماه ۱۳۶۷ کاملاً بر ملا نشده است. تردیدی نیست که رژیم جمهوری اسلامی و تمامی آنها که در این جنایات دست داشته‌اند، روزی در برابر مردم پاسفگو خواهند بود. بکوشیم یاد و خاطره کلیه جانباختگان راه آزادی و همه زندانیان سیاسی‌ای که در شهریور ماه و در فضای خفقان‌گرفته به پای چویه‌های دار و تیباران برده شدند، را با تشديد مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه همه نابرابری‌های اجتماعی گرامی داریم.

پلنوم دوم هیأت اجرایی اتحاد فدائیان کمونیست برگزار شد

چهار ماه پس از برگزاری اولین کنگره اتحاد فدائیان کمونیست، هیئت اجرایی دومین پلنوم خود را برگزار کرد. در این پلنوم مسائل مهم سیاسی و تشکیلاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. پلنوم با گزارش رفقاء مسئول در حوزه‌های مختلف آغاز شد و سپس مسائل چهارماه گذشته تشکیلات در دستور بحث گذاشته شد. نشست تصمیماتی را در زمینه سازماندهی انتشارات و توزیع برای بهبود انتشار کار کمونیستی اتخاذ کرد.

طرح پیشنهادی برنامه از جمله مسائل دیگر مورد بحث پلنوم دوم بود. طرح‌های پیشنهادی برنامه با تلاش رفقاء دست‌اندرکار تنظیم و آماده گردیده بود و به پلنوم ارائه شد. این طرح‌ها مورد بررسی قرار گرفت و با تغییراتی که در تکمیل، تصحیح و تصریح آنها وارد گردید بزودی منتشر شده و در دسترس رفقاء قرار خواهد گرفت که در پروسه‌ای معین مورد بحث رفقاء تشکیلات و سایر فعالین جنبش قرار گیرد.

در زمینه نوسازی و پرورش اعضا و کادر قرار شد با آماده شدن طرح پیشنهادی برنامه، طرح برنامه مطالعاتی نیز در اختیار رفقاء قرار گیرد. پلنوم با تأکید بر اصولی بودن تصمیمات کنگره اول، برنامه معینی را برای بهبود روابط و ارتباطات تشکیلاتی تنظیم کرد که با اجرای آن بتواند نیروهای تشکیلات را به بهترین شکل در راستای منافع و نیازهای جنبش بکار گیرد.

آدرسها و شماره فاکس تماس با اتحاد 福德ائیان کمونیست:

**kar-Co
Box 10063
S-400 70 Göteborg/Sweden**

شماره فاکس روابط عمومی
+ (46) 317792571

آدرس پست الکترونیکی
webmaster@fedayi.se

آدرس غرفة ما در اینترنت
www.fedayi.se

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسياليسم